نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست ویکم- شماره ۸۷۷ یکشنبه ٦ آبان ۱۳۹۷ - ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

استاندار بوشهر:

اجرای پروژه‌های ورزش دریایی در دهکده گردشگری شهر بوشهر



صفحه ۲

خطرناک بودن خدمت به استان بوشهر!



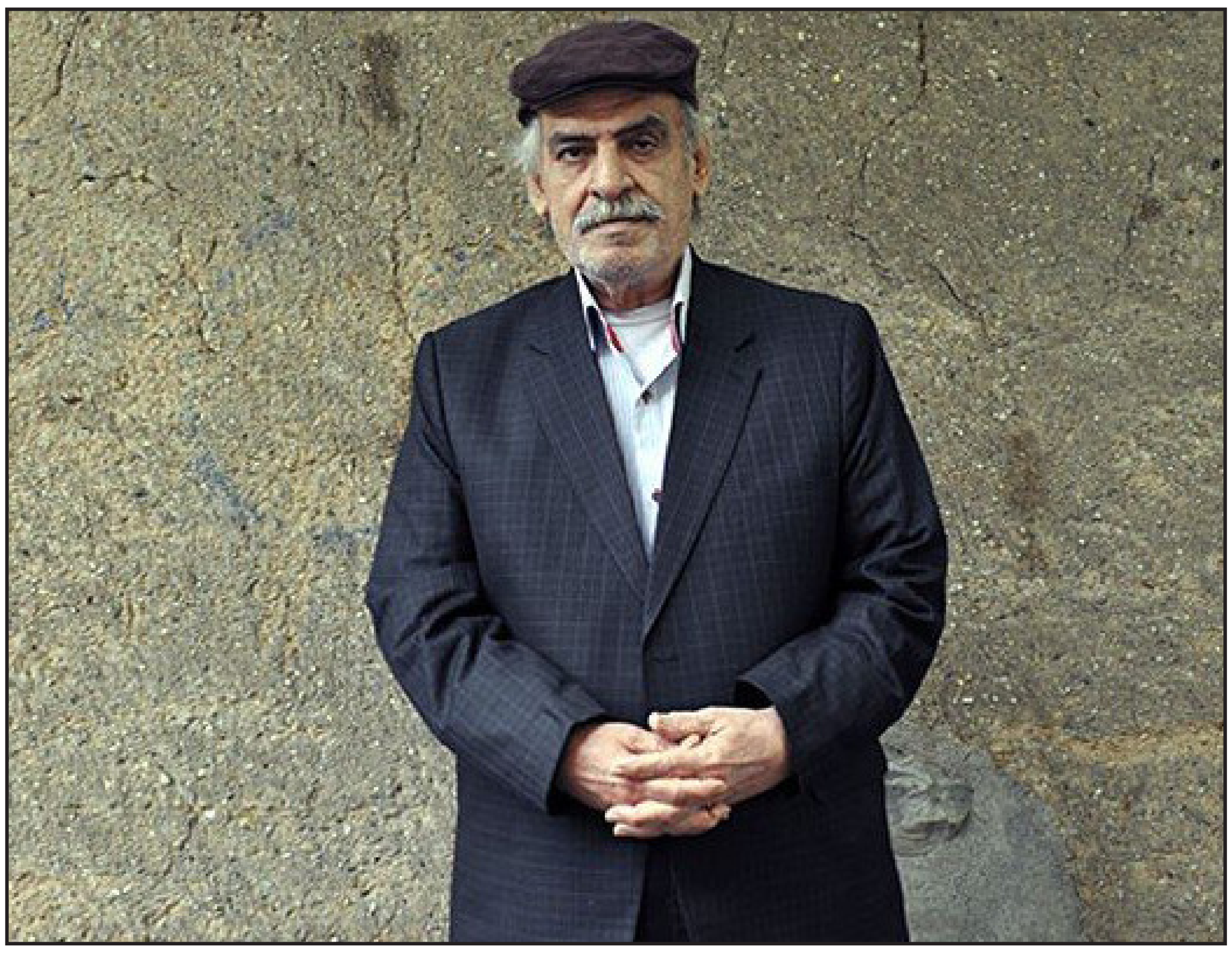
بابک فقیه

صفحه ۵

ضرورت تعاملات فرهنگی ایران و هند در مصاحبه با ایرج صغیری

قلندر در شب های بمبئی

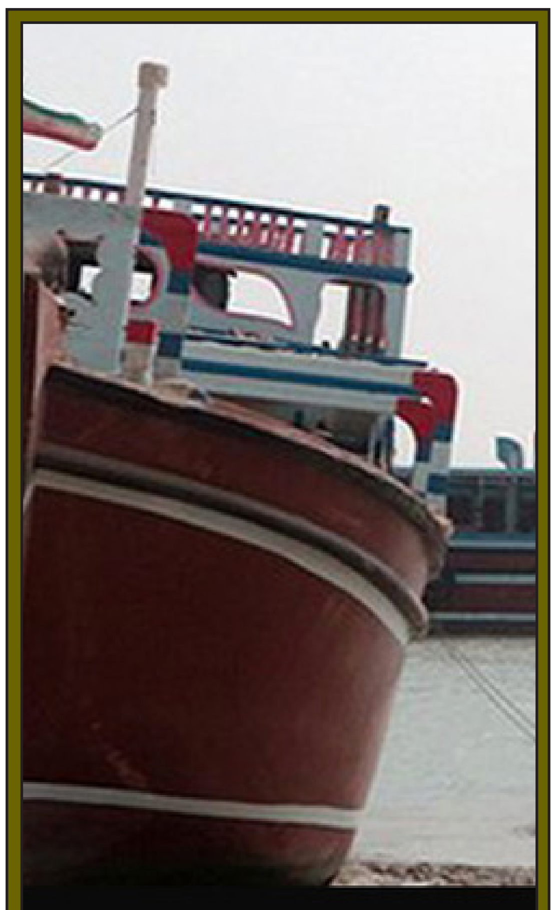
صفحه۴



هنرمندان بوشهری در شب های خیال انگیز

جمیل رزمی

صفحه۴



ته لنجی در آستانه تعطیل؛

سونامی گرانی بی مهابا از راه می رسد

صفحه ۸

۳

بوشهر را برای مردمش مکانی آرامش بخش سازید

امان الله شجاعی

٦

در لزوم پاسخگویی به افکار عمومی

خلیل موحد

۷

مسافر فوتبال

مقدمات رفتن به مشهد و تیم ابومسلم

خاطرات محمود ابراهیم زاده ملی پوش فوتبال بوشهر

۸

توسعه یافتگی شوخی نیست!

دکتر سعید معدنی

ادامه در صفحه ٦

فراخوان جمع آوری و هدیه کتاب های کنکور

ضمن عرض تبریک به دانش آموزان عزیز بابت موفقیت در کنکور سراسری و خسته نباشید به خانواده های این عزیزان و دبیران گرامی شان که در این راه یاری رسان آن ها بودند، بدین وسیله از این عزیزان تقاضا می شود که به شکرانه این موفقیت، یاری رسان دیگر دانش آموزان نیز شده و با در اختیار گذاشتن کتاب های کنکور و کمک درسی خود، قدمی در راه موفقیت آینده این دانش آموزان بردارند.

هفته نامه نسیم جنوب همانند سال های گذشته، پذیرای این کتابها برای هدیه دادن به کتابخانه مدارس و دانش آموزان نیازمند می باشد.

آدرس: بوشهر، فلکه قدس، خیابان امام، کوچه بوستان ۳۰

هفته نامه نسیم جنوب

تلفن: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

معاون استاندار بوشهر:

سبک خاص معماری بوشهر حفظ شود



معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر گفت: سبک خاص معماری بوشهر حفظ شود.

به گزارش خبرنگار مهر، مجید خورشیدی در آئین آغاز عملیات مرمت و بازسازی عمارت تاریخی ملک شهر بوشهر اظهار داشت: معماری خاص استان بوشهر دارای اهمیت بسیار زیادی است و باید برای حفظ آن تلاش گسترده‌ای صورت گیرد.

وی با اشاره به اینکه باید از همه ظرفیت‌ها برای حفظ بناهای تاریخی بوشهر استفاده شود، تصریح کرد: عمارت تاریخی ملک یکی از نمادهای معماری خاص بوشهر است و باید به این سبک معماری توجه شود.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر با اشاره به انجام عملیات مرمت و بازسازی عمارت تاریخی ملک در سه مرحله کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، افزود: تلاش می‌شود در سریع‌ترین زمان شاهد مرمت و بازسازی این بنا باشیم.

وی با اشاره به اینکه تعدادی از افراد در این عمارت سکونت داشته‌اند، ادامه داد: با همراهی و حمایت کمیته امداد و بهزیستی برای خروج این افراد از عمارت ملک و سکونت آنها در مکانی دیگر اقدامات لازم انجام شده است.

خورشیدی تاکید کرد: خانواده‌های نیازمند شناسایی و برای اسکان آنها اقدام می‌شود و افرادی که مستمند نیستند نیز باید تخلیه کنند و از این مکان خارج شوند.

مدیرکل فرودگاه‌های استان بوشهر:

زیرساخت‌های فرودگاه‌های استان بوشهر تقویت می شود



مدیرکل فرودگاه‌های استان بوشهر از تقویت زیرساخت‌های فرودگاه‌های استان خبر داد و گفت: باند فرودگاه بوشهر از بلندترین باندهای پروازی در خاورمیانه است.

به گزارش خبرنگار مهر، کمال دهقان منشادی در حاشیه بازدید استاندار بوشهر از فرودگاه و باند پرواز فرودگاه بوشهر با اشاره به وجود شش فرودگاه در استان بوشهر اظهار داشت: در بیش از یکسال گذشته پروژه‌های فرودگاهی را به صورت مطالعاتی و با استانداردهای لازم اجرایی کردیم.

دهقان افزود: پروژه زهکش و فاضلاب فرودگاه بوشهر با ۳ میلیارد تومان به زودی به مناقصه خواهد رفت و برای تکمیل ساختمان پلیس و سپاه فرودگاه ۲.۵ میلیارد تومان هزینه خواهد شد.

وی بیان کرد: اجرای پروژه دیوار فرودگاه گناوه هم با ۲.۳ میلیارد تومان امسال اجرایی خواهد شد ضمن اینکه یک میلیارد تومان برای اجرای پروژه شبکه گاز فرودگاه هزینه کردیم.

مدیرکل فرودگاه‌های استان بوشهر با اشاره به وضعیت فرودگاه جدید بوشهر بیان داشت: با حمایت های استاندار و معاونان استانداری اقدامات مطلوبی انجام شده و مراحل این پروژه در حال انجام است.

وی ادامه داد: پروازهایی که از فرودگاه بوشهر انجام می شود به شش مقصد تهران، مشهد، شیراز، اصفهان، خارگ و اهواز است.

مدیرکل فرودگاه‌های استان بوشهر با بیان اینکه در یکسال گذشته ۱.۵ میلیارد تومان برای بهسازی وضعیت فرودگاه بوشهر هزینه کردیم، گفت: با احداث پارکینگ جدید توقف هواپیما در فرودگاه بوشهر که ۲۳ هزار مترمربع وسعت دارد ظرفیت پارک شش هواپیما در فرودگاه بوشهر با احتساب پارکینگ قدیمی مهیا شده است.

دهقان در مورد باند فرودگاه بوشهر گفت: فرودگاه بوشهر دو باند موازی چپ و راست دارد و با چهار هزار و ۷۰۰ متر طول و ۳۲۰ هکتار وسعت یکی از بلندترین باند فرودگاهی در خاورمیانه محسوب می شود.

استاندار بوشهر:

اجرای پروژه‌های ورزش دریایی در دهکده گردشگری شهر بوشهر

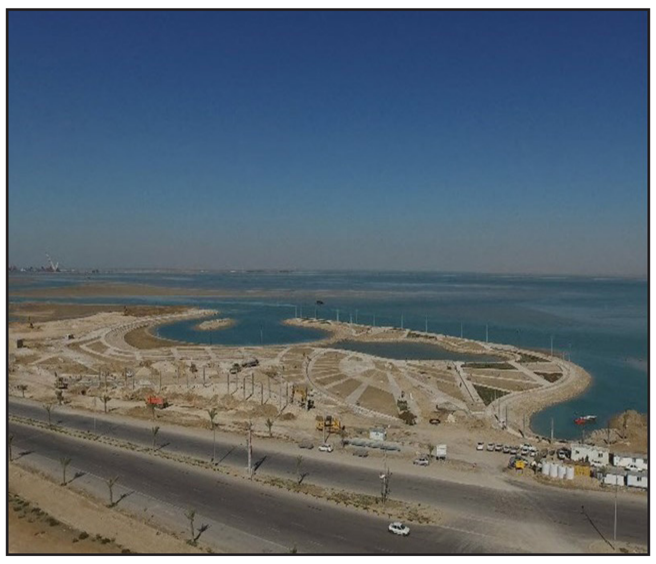


استاندار بوشهر از اجرای پروژه‌های ورزشی دریایی در دهکده گردشگری شهر بوشهر خبر داد.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در آیین تجلیل از مدال آوران پارا آسیایی جاکارتا استان بوشهر که با حضور معاون وزیر ورزش و جوانان برگزار شد، اظهار داشت: جوانان استان بوشهر در زمینه های مختلف ورزشی از استعداد بالایی برخوردار هستند و حضور بسیاری از آنها در تیم های ملی کشوری مبین این مهم است.

وی با اشاره به کسب ۱۱ مدال توسط ورزشکاران بوشهری در رقابت‌های پارا آسیایی جاکارتا، افزود: ورزشکاران استان بوشهر در رقابت های پارا آسیایی در سال جاری توانستند یک چهارم مدال های کسب شده جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کنند.

استاندار بوشهر عنوان کرد: استان بوشهر بیش از هفت ماه در سال از آب و هوای مطلوبی برخوردار است و با توجه به هم‌جواری استان با خلیج می تواند به قطب ورزش‌های آبی کشور تبدیل شود.

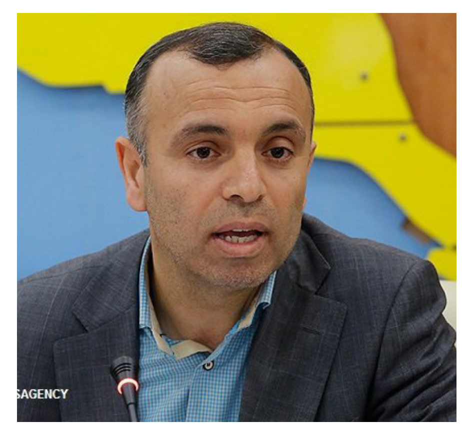


وی اعتبار مورد نیاز اجرای پروژه‌های ورزشی دریایی در دهکده گردشگری شهر بوشهر را ۲۵ میلیارد تومان عنوان کرد و گفت: با اجرای تمام پروژه‌های پیش‌بینی شده تحول عظیمی در زمینه ورزش‌های آبی در استان شاهد خواهیم بود.

وی افزود: تلاش می‌شود با تامین اعتبار پروژه‌های ورزش‌های آبی دهکده تا سال آینده تکمیل شود.

رئیس برنامه و بودجه بوشهر:

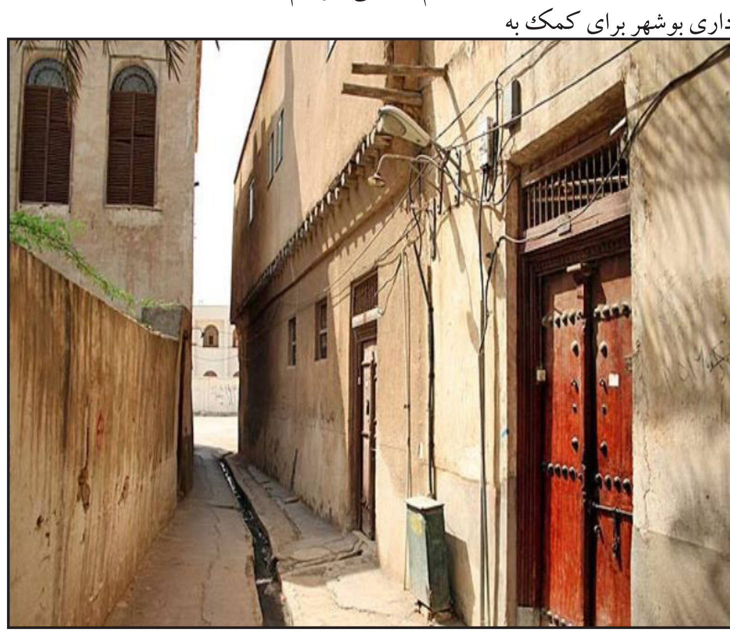
هزینه صدور پروانه ساختمانی در بافت فرسوده بوشهر صفر شد



رئیس سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر از صفر شدن هزینه صدور پروانه ساختمانی برای ساخت واحدهای مسکونی در بافت فرسوده و ناکارآمد بوشهر خبر داد.

به گزارش خبرنگار مهر، رضا عوض پور در نشست ستاد اقتصاد مقاومتی استان بوشهر اظهار داشت: برای آن دسته از کسانی که مایل هستند در بافت فرسوده و ناکارآمد، واحد مسکونی احداث کنند، سازمان برنامه و بودجه ۵۰ درصد هزینه را پرداخت می کند و شورا و شهرداری بوشهر هم مابقی ۵۰ درصد را تخفیف می دهد.

وی با قدردانی از شورا و شهرداری بوشهر برای تخفیف ۵۰ درصد پرداخت عوارض صدور پروانه ساختمانی بیان کرد: ضمن هماهنگی با سایر شهرداری های استان، امیدواری بقیه شهرداری ها هم از الگوی شورا و شهرداری بوشهر برای کمک به مردم و بهبود وضعیت بافت ناکارآمد شهرها استفاده کنند.



رئیس سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر گفت: اولویت مهم و اصلی ما ایجاد اشتغال و رونق کسب وکار و حمایت از طرح های کارآفرینی است و از دستگاه های اجرایی انتظار داریم این موضوع را با جدیت دنبال کنند.

عوض پور با تاکید بر اهمیت موضوع واگذاری پروژه های عمرانی به بخش خصوصی گفت: واگذاری پروژه های عمرانی یک ضرورت جدی است و باید مدنظر مدیران باشد و اگر این طرح به مرحله اجرا برسد بزرگترین خدمت را به نظام اسلامی کردیم.

قصد شهرداری بوشهر برای اتمام پروژه چرخ و فلک

شهردار بوشهر در بازدید از پروژه چرخ و فلک با حضور طرف قرارداد و نماینده اداره استاندار آخرین پیگیری ها در خصوص این پروژه به عمل آوردند.

به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری، امیری شهردار بوشهر در بازدید از پروژه چرخ و فلک و نشست مشترکی که با حضور طرف قرارداد این پروژه و نماینده اداره استاندار برگزار گردید ضمن اخذ گزارش اقدامات انجام شده و گزارشات نماینده استاندار در خصوص تایید روند ساخت و نصب قطعات پروژه چرخ و فلک، امیری با اشاره به تأخیر ایجاد شده در اتمام پروژه و ایجاد حساسیت های عمومی پیرامون این پروژه و زمان تکمیل آن بر اتمام هر چه سریع تری چرخ و فلک بوشهر تأکید نمودند. در همین خصوص طرف قرارداد این پروژه با توجه به مشکلات پیش آمده در مراحل ساخت و افزایش چند برابری هزینه ها و اخذ تأییدیه ی استاندار در تمامی مراحل ساخت و نصب قطعات، قول مساعد دادند که تا پایان سال جاری پروژه به بهره برداری برسد.



مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر تاکید کرد:

خدمت شایسته به مخاطبان تامین اجتماعی، راهبرد اصلی سازمان است



به گزارش روابط عمومی اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر، عبداله شیرکوند در نشست با مدیریت درمان تامین اجتماعی، استان بوشهر را استانی مهم و استراتژیک خواند و گفت: تامین اجتماعی در استان بوشهر ضریب پشتیبانی بسیار خوبی دارد و بیش از ۸۰ درصد جمعیت این استان تحت پوشش بیمه ای این سازمان هستند. مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر اظهار داشت: بزرگترین خدمت کوتاه مدت سازمان تامین اجتماعی، ارایه درمان مستقیم و غیرمستقیم است و می بایست در حوزه درمان و مراکز درمانی رضایتمندی هر چه بیشتر فراهم گردد و موجبات آرامش بیمه شدگان را مهیا سازیم.

مدیرکل تامین اجتماعی بوشهر، اولویت فعالیت ها و ارایه خدمات در استان را برشمرد و تاکید کرد: ایجاد و راه اندازی درمانگاه های دیر، دلوار، دشتی و همچنین ارتقای مراکز درمانی استان که از مصوبات سازمان نیز می باشد، در اولویت برنامه ها قرار گیرد. در این دیدار که دکتر یلدا دارابی مدیریت درمان تامین اجتماعی استان در دفتر شیرکوند مدیرکل استان حضور یافته بود، گزارشی از وضعیت حوزه درمان تامین اجتماعی استان را ارایه و برای همکاری منسجم با مدیرکل تامین اجتماعی استان، اعلام آمادگی کرد.

آکواریوم دریایی و احداث اسکله‌های گردشگری در بندر بوشهر ایجاد می‌شود

مدیر کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر با تاکید بر تشکیل کمیته تخصصی محیط زیست شورای شهر بوشهر گفت: احداث آکواریوم دریایی با گونه‌های بومی خلیج فارس، احداث اسکله‌های گردشگری طبق قوانین زیست محیطی و ایجاد مدرسه طبیعت مورد توجه قرار دارد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، فرهاد قلی‌نژاد افزود: توجه به محیط زیست و اجرای استانداردهای مرتبط با آن تضمین کننده زندگی، بهداشت روانی و سلامت جامعه است و بدون شک پرداختن به امر آموزش محیط زیست و رعایت مسائل مرتبط باآن یک وظیفه همگانی برای تمام مردم و سازمان‌ها محسوب می‌شود.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر با تاکید بر تشکیل کمیته تخصصی محیط زیست در شورای شهر بوشهر افزود: برای رفع موانع و مشکلات محیط زیستی استان و شهر بوشهر برنامه‌ریزی شده و با همکاری و همراهی شورای اسلامی بندر بوشهر با توان تخصصی و ویژه‌ای فعالیت وکمیته محیط زیست شورای اسلامی بندر بوشهر تشکیل، حمایت و تقویت می‌شود. وی با تاکید بر توجه به مطالبات مردم در امر حفظ محیط زیست گفت: با تشکیل کمیته تخصصی حفاظت محیط زیست بدین ترتیب تغییرات مثبت و سبز با شتاب بیشتری اتفاق می‌افتد و به مطالبات مردم در حوزه محیط زیست توجه دقیق‌تری می‌شود.

فرهاد قلی‌نژاد فضای سبز شهری و احداث کمربند سبز شهری را از اولویت‌های شهر بوشهر دانست و ضمن اشاره به اینکه سرانه فضای سبز با استفاده از گونه‌های بومی باید افزایش یابد بر احداث و ایجاد باغ های گیاه شناسی، آموزش ایجاد و توسعه فضای سبز، حفظ و نگهداری آن تاکید کرد. وی به استعداد و ظرفیت حوزه گردشگری در بوشهر اشاره کرد و افزود: می‌توان با انجام بررسی‌های کارشناسانه و دقیق ساماندهی باغ پرندگان، احداث آکواریوم دریایی با گونه‌های بومی خلیج فارس، احداث اسکله‌های گردشگری طبق قوانین زیست محیطی، ایجاد مدرسه طبیعت، ایجاد و احداث باغ‌های گیاه‌شناسی، باغ گیاه شناسی خلیج-عمانی را در دستور کار قرار داد.

قلی‌نژاد تصریح کرد: دیوار نگارهای شهری پیرامون محیط زیست، ساخت تندیس نمادهای محیط زیستی شهر و نصب در میادین و پارک‌ها، نام‌گذاری میدان‌ها و خیابان‌ها با عناوین محیط زیستی به ویژه شهدای محیط‌بان از دیگر راهکارهای مناسبی است که با اجرایی شدن آنها می‌توان به یک بوشهر به تمام معنا سبز دست پیداکرد.



معاون سوادآموزی استان بوشهر:

طرح «خواندن با خانواده» برای ۲۵۰۰ سوادآموز استان بوشهر اجرا می‌شود



معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: طرح خواندن با خانواده در بین سوادآموزان دوره های مختلف سوادآموزی به اجرا در می آید.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش فر در نشست کارگاه آموزشی توجیهی، ویرایش اطلاعات آموزش دهندگان با مسئولان و کارشناسان سوادآموزی مناطق و شهرستان های استان اظهار داشت: در ادامه فعالیت های سوادآموزی در سال جاری، طرح خواندن با خانواده در میان بیش از دو هزار و ۵۰۰ نفر از سوادآموزان دوره های مختلف برگزار می‌شود.

معاون سوادآموزی استان با تاکید بر فراگیر بودن اجرای این طرح به دستورالعمل ابلاغی سازمان مرکزی نهضت سوادآموزی کشور اشاره کرد و افزود: طرح خواندن با خانواده در همه کلاس های دوره انتقال و در کلاس های سه نفر به بالای دوره سوادآموزی در مناطق و شهرستان های استان به اجرا در می آید.

وی در ادامه به نقش مطالعه و کتابخوانی در تعمیق بخشیدن به آموخته های افراد در دوره های مختلف سوادآموزی پرداخت و بیان داشت: یکی از آثار بارز اجرا این طرح عادت به مطالعه و توسعه دایره لغات افراد سوادآموز است که تاثیر به سزایی در زندگی فردی و اجتماعی آنان خواهد داشت.

این مقام مسئول به نحوه اجرای این طرح هم اشاره ای داشت و افزود: در این طرح سوادآموزان پس از مطالعه حداقل سه عنوان کتاب، دست نوشته هایی را از آموخته های خود به منظور آگاهی سایر سوادآموزن تهیه و در کلاس های درس عرضه خواهند کرد.

وی به اهداف برگزاری این کارگاه آموزشی پرداخت و گفت: همه آموزش دهندگان سال های ۱۳۷۹ باید در اولین فرصت با مراجعه به سایت پس از مطالعه دقیق راهنما در خصوص تکمیل و ویرایش اطلاعات پرسنلی و سوابق کاری خود اقدام کنند.

به مناسبت اربعین حسینی؛

«ذوالجناح» توسط حوزه هنری استان بوشهر منتشر شد



حوزه هنری استان بوشهر برای اولین بار به مناسبت اربعین حسینی قطعه آهنگی به نام «ذوالجناح» را منتشر کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، این قطعه براساس آیین‌های عزاداری سنتی بوشهر با آهنگ سازی اکبر ابراهیمی در ساختار ارکسترال تنظیم شده است.

این اثر ارکسترال با صدای هنرمندان بوشهری حسین کشتکار بوشهری، ایمان میرشکاری، عباس محمدی باغملایی و اکبر ابراهیمی اجرا شد.

همچنین شاعر و بازآفرینی اشعار از منوچهر بایندری است.

در این اثر، ویلن اول، ویلن دوم و آلتو توسط بابک شهرکی، هورن توسط حسین میرزایی، سازهای کوبه‌ای توسط اکبر ابراهیمی بود و صدابردار این اثر اکبر ابراهیمی و بابک شهرکی، میکس و مسترینگ دیجیتال توسط اکبر ابراهیمی انجام شده است.

این اثر به همت حوزه هنری استان بوشهر و همکاری صدا و سیمای مرکز بوشهر تولید شده است.

نقشه‌ی تحولات بازار ارز از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۷

محمد ماهیدشتی

فاز اول) تقاضای بیش از حد برای ریال: اوج نرخ ارز قبل از استقرار دولت اول روحانی ۳۸۶۵ تومان بود. عوامل زیر منجر به قیمت‌گذاری کمتر از حد دلار شدند:

۱) عرضه‌ی ارز توسط بانک مرکزی برای افزایش ذخایر کالاهای استراتژیک به منظور کاهش رشد ۶۵ درصدی قیمت کالاهای اساسی.

۲) تقاضای بالای بانک‌های تجاری جهت جذب سپرده به دلیل مطالبات معوق بسیار بالا و ناتوانی در فروش وثایق تملیکی به قیمت دفتری ناشی از ترکیدن حباب اقتصاد ایران و رکود بازارها.

۳) خوش‌بینی بیش از حد بنگاه‌ها و مردم به توافق هسته‌ای، ترس از ضرر کردن، کاهش ذخایر احتیاطی و عرضه‌ی ارزهای خارجی.

– در نتیجه قیمت دلار تا ۲۸۸۰ تومان پایین آمد و کار به جایی رسید که بانک مرکزی به طور رسمی اعلام کرد که این نرخ پایین را قبول نمی‌کند.

فاز دوم) رشد شدید نقدینگی: عوامل زیر منجر به بی‌ارزش شدن ریال تا سطح درست ۷۰۳۰ تومان شدند:

۱) بانک‌های تجاری سود سپرده‌ها را از محل اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی پرداخت کردند. در تیر ۱۳۹۴ نرخ رشد سالانه‌ی نقدینگی به سطح بسیار بالای ۴۲ درصد رسید. این نقدینگی به طور هوشمندانه‌ای وارد بازار ارز می‌شد.

۲) در دی ۱۳۹۶ پس از اعتراضات سپرده‌گذاران مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز، متأسفانه در یک اقدام ناعادلانه و ناکارآ از حق تمام مردم ایران برای پرداخت پول گروهی سفته باز سوداگر استفاده شد که همین عامل اصلی تشکیل حباب بود. اندکی پیش از این قله‌ی ۴۱۵۲ تومان شکسته شده بود.

۳) بانک مرکزی ترجیح داد و اعلام کرد که ذخایر ارزی را عرضه نمی‌کند.

۴) تکنیکالیست‌ها، تشخیص روند سفته بازانه دادند. نرخ دلار از ۲۸۸۰ تا ۷۰۳۰ تومان در مجموع ۱۴۴ درصد افزایش یافت که دقیقاً با بهره‌ی مرکب ۵



ساله‌ی نظام بانکی یعنی سالانه ۲۰ درصد برابر است. این نشان می‌دهد که این بهره‌ها بابت هیچ و پوچ بوده و علت نابودی ریال ایران بودند.

در پایان این فاز دولت به اشتباه اعلام کرد که تمامی تقاضای ارزی را در نرخ ۴۲۰۰ تومان پاسخ می‌دهد.

فاز سوم) رسانه، حباب و اشتباه بازار: این فاز دقیقاً با خروج آمریکا از توافق هسته‌ای شروع شد و توسط رسانه‌های اجتماعی به شدت تغذیه شد. بازار ارز تبدیل به یک بازار سهام شد و با ورود عوام نرخ رشد ارز شدت گرفت. این افراد به دلار برای مبادلات خارجی نیاز نداشتند، فقط فکر می‌کردند که فرد دیگری وجود دارد که دلار را از آن‌ها گران‌تر بخرد.

این بازی تا قیمت ۱۹۳۵۶ تومان و پایان هدف زمانی ادامه داشت. در این لحظه شخص جدیدی وجود نداشت که دلار را به قیمت بالاتر بخرد.

فاز چهارم) ترکیدن حباب و هدف ۹۱۷۳ تومانی: در فاز کنونی دو سیاست پولی در حال اجرا است. یک سیاست، افزایش نرخ هدف بانک مرکزی به سطحی بسیار بالاتر از ۴۲۰۰ تومان است. بانک مرکزی در نرخی مانند ۹۱۷۳ تومان به راحتی می‌تواند عملیات بازار باز را انجام دهد.

سیاست دوم دستور برگرداندن منابع ریالی بانک مرکزی است؛

بنابراین، بانک‌های تجاری مجبور هستند مجدداً تقاضای خود برای ریال را یا با فروش ارز یا با فروش طلا و ملک افزایش دهند که این به کاهش نرخ برابری دلار به ریال کمک می‌کند.

آگهی حصر وراثت

آقای علیرضا بازرگان زاده دارای شناسنامه شماره ۱۵۲۶۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۳/ح/ش-۹۷/۶۴۲ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داشته که شادروان محمدجواد بازرگان زاده به شناسنامه ۳۵۱۰۲۱۴۲۱۲ در تاریخ ۹۷/۷/۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- معصومه بازرگان زاده فرزند حسین به شماره شناسنامه ۸۳ متولد ۱۳۴۸/۳/۱ مادر متوفی ۲- علیرضا بازرگان زاده فرزند جعفر به شماره شناسنامه ۱۵۲۶۹ متولد ۱۳۵۰/۱/۱ پدر متوفی و لاغیر. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. (شماره ۸۹۰ م الف)

عبدالحسین صفدری

رییس شعبه ی سوم شورای حل اختلاف دادگاه عمومی برازجان

مهندس علیرضا سنایی دشتی رئیس سازمان نظام مهندسی استان بوشهر:

بومی سازی راه حل ها، انتظار از شهردار بوشهر



– چه انتظاراتی از شهردار جدید بوشهر دارید؟

مهمترین انتظارات را میتوان بدین گونه مطرح نمود:

۱ – اصلاح طرح تفضیلی و ساخت و ساز در زمینه هر واحد آپارتمان به ازای ۷۰ متر تا کوچک سازی و قدرت خرید مردم، افزایش و رونق ساخت و ساز فراگیر شود.

۲ – اقدام جهت حذف نقشه دوم در ساخت و ساز و کاهش تخلفات در این مورد.

۳ – ارایه برنامه جهت هماهنگی با موضوع اعلام بوشهر بعنوان منطقه آزاد.

– با توجه به حجم مشکلات شهر بوشهر، به نظر شما اولویت شهردار بوشهر چه باید باشد؟

– به نظرم ساماندهی مشاغل در خیابانهای اصلی و حل مشکل ترافیک در این گذرها و مناطق مسکونی، بسیار ضروری است.

– چه پیشنهادی برای شهردار جدید بوشهر دارید؟

– تشکیل کمیته‌ای به نام نظام پیشنهادات که مشکلات را بررسی و راه حل لازم را ارائه نماید، همچنین استفاده از تجربیات شهرداری های موفق و بومی سازی راه حل ها.

مهندس محسن پورحیدر:

شهردار بوشهر با جدیت در مقابل سهم خواهی ایستادگی کند



– چه انتظاراتی از شهردار جدید بوشهر دارید؟

– از شهردار انتظار دارم با جدیت در مقابل سهم خواهی های بعضی افراد شورای شهر که متأسفانه با توقع ها و خواسته های بیش از اندازه شان آسیب های متعددی وارد نمودند، ایستادگی کند.

– به نظر شما اولویت شهردار بوشهر چه باید باشد؟

– آسیب شناسی اساسی چارت شهرداری و گماشتن افراد کارآزموده در رده های مختلف.

– چه توصیه و پیشنهادی برای شهردار جدید بوشهر دارید؟

– رسیدگی و اهمیت دادن به بافت فرسوده، تقویت فضای ساحل، ایجاد مراکز تفریحی مثل فضای کیش یا فضای پایین پارک پرندگان بوشهر، ایجاد فضای بازی و نشاط سرپوشیده برای رده های مختلف سنی.

چگونه FATF به آزمون توسعه نیافتگی ما تبدیل شد؟!

مهران صولتی

داستان تصویب کنوانسیون CFT از مجموعه FATF همچنان در محافل سیاسی داغ داغ است. به تازگی محافل دانشگاهی هم به این جریان پیوسته و تلاش می کنند با برگزاری مناظره هایی از زوایای نامکشوف آن پرده بردارند. اما فراتر از محتوای این کنوانسیون که می تواند در شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت رد و مخالفان اش را آرام سازد، سیر مقدمات و پیامدهای تصویب این معاهده نشان داد که ما هنوز هم به شدت از تبعات توسعه نیافتگی رنج می بریم. به عبارت دیگر سیر این پرونده می تواند آزمونی برای حرکت یا درجا زدن ما در مسیر توسعه محسوب شود. حداقل به دلایل زیر:

در همه جای دنیا تبلیغ برای رد یا قبول یک طرح یا لایحه، در جامعه و رسانه ها مرسوم است. لذا همه می کوشند تا با به راه انداختن کمپین هایی در شبکه های مجازی یا تظاهراتی در خیابان مواضع خود را بیان نمایند. وجود پارلمان هم برای آن پیش بینی شده که تعارض های سیاسی- اجتماعی را نمایندگی کرده و آن ها را به نحو مسالمت آمیز حل و فصل نماید. لذا به نظر می رسد آوردن پلاکاردها و پارچه نوشته ها به صحن مجلس جهت تأثیر گذاشتن بر رأی نمایندگان آشکارا مخالف فلسفه ذاتی پارلمان و نشانی از توسعه نیافتگی است. غلبه شانتاژ بر استدلال در جایی که فضایی برای گفت و گو جهت اخذ تصمیم های عقلانی است!

در همه کشورهای جهان لابی گری بخش جدایی ناپذیر از نظام پارلمانی تلقی می شود. اینکه محافلی در خارج از پارلمان بکوشند تا احیاناً با فشار یا تطمیع بر روند قانون گذاری تأثیر بگذارند. نمونه اش نظام سیاسی امریکا که رسماً وجود محافل لابی گر را رسمیت بخشیده است. اما در جریان تصویب CFT اتفاقاتی افتاد که به هیچ روی قابل توجیه به نظر نمی رسد. اینکه بخشی از نمایندگان قبل و بعد از تصویب لایحه پیامک های تهدید به قتل دریافت کرده باشند با کدام منطق توسعه یافتگی همخوانی دارد؟! تهدید نهادهای انتخابی از مسیر تحدید آزادی نمایندگان چگونه می تواند به تصمیم گیری صحیح و در راستای منافع ملی منجر شود؟

برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، هنوز منافع ملی از تعریف روشنی در ایران برخوردار نیست. حتی می توان گفت تعدد مراکز تصمیم گیری در کنار مناقشه بر سر برخی از اصول قانون اساسی، چشم اندازی غبارآلود از این مفهوم مهم پیش روی شهروندان و سیاسیون ترسیم کرده است. در چنین شرایطی سیاست "شخصی" شده و منافع ملی هیأت مصالح جناحی به خود می گیرد. سطح منازعات سیاسی بالا گرفته و اجماع بر سر بدیهی ترین اصول با مخاطره و امتناع مواجه می شود. روشن است که در چنین شرایطی نمی توان از امکان طرح راهبردی برای توسعه یافتگی سخن گفت. به عبارت دیگر غلبه روزمره گی ها و بی عملی ها به تدریج سیستم را به مجموعه ای فشل و پرهزینه تبدیل می سازد!

نکته پایانی: در ایران امروز حواشی وقایع سیاسی مهم تر و درس آموزتر از متن رویدادها است. فرآیند تصویب CFT و مناقشه بر سر FATF نشان می دهد که ما این بار هم در آزمون توسعه یافتگی سیاسی مردود شده ایم!

امان الله شجاعی:

بوشهر را برای مردمش مکانی آرامش بخش سازید



– چه انتظاراتی از شهردار جدید بوشهر دارید؟

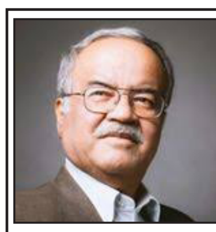
– انتظاری که از شهردار جدید داریم، در کل همان انتظاراتی است که از شهرداران قبل از وی بوده است. انتظارمان این است که از ظرفیت های قانونی استفاده نماید و نیز در چارچوب قانون، ظرفیت های استفاده نشده را کشف و شناسایی کند و در جهت رفاه و آسایش مردم گام های مؤثر بردارد. البته این مهم هم میسر نیست، مگر این که شهردار با ارایه ی لوایح کارشناسی شده و با پیش بینی های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت و نیز پس از کشف مشکلات روزمره و مشکلات ساختاری، بتواند پس از نشست های کارشناسی و هدفمند آن لوایح را تهیه و تنظیم نماید و یا در برخی موارد نادر، شورای محترم چنین "طرح" هایی را آماده و تصویب نمایند.

– با توجه به حجم مشکلات شهر بوشهر، به نظر شما اولویت شهردار بوشهر چه باید باشد؟

– بی شک هر گاه انسان ها تکلیفشان با خودشان معلوم نیست، نمی توانند گام مؤثری بردارند و یا اصلا "نمی توانند" که "گامی" بردارند. برای معلوم بودن تکلیف به "برنامه" نیاز است. برنامه ای که با شناخت محیط و نیازهای امروز و فردا و فرداهای دیگر نیز همخوان باشد. در چنین صورتی، هم شهر ساخته و هم زیبا خواهد شد. شهر را می توان با تعدادی چراغ رنگارنگ، برای شب ها چشم نواز کرد، ولی آیا مشکلات روزها را هم این چراغ ها حل می کنند؟

– چه توصیه و پیشنهادی برای شهردار جدید بوشهر دارید؟

– در شهر، پیر و جوان، باسواد و بی سواد، زن و مرد، شاغل و بازنشسته، دانشجو و دانش آموز، و کم و بیش مسافر و گردشگر و... وجود دارد. پس "شهر" اجتماع نیازمندیها هم هست. اجتماع آرزوها هم هست و لاجرم مدیران شهری باید نیازمندیهای امروز و فرداهای دیگر را بدانند تا بتوانند با زمانبندی لازم، پاسخگوی اکثریت آنها باشند. برای وکلای مردم و فرزندشان شهردار محترم، آرزوی توفیق روزافزون دارم. برای جناب دکتر سید نورالدین امیری به صورت ویژه آرزوی توفیق و سربلندی دارم و امیدوارم که ایشان با حق شناسی و تشکر از کسانی که در این مدت سکان شهرداری را برعهده داشته اند و نیز با استفاده از تجارب آن ها و همچنین با استفاده از تجارب بشری، در شهرهایی و بنادری امثال بوشهر، این شهر را برای مردمش مکانی آرامش بخش بسازد و خاطراتی به یاد ماندنی و اثراتی در ابعاد مختلف فرهنگی، عمرانی، اقتصادی و... از خود به جای گذارد که شناسنامه ی خود، شهرداری اش، دانشش و خانواده اش باشد.



داریوش پوربهی:

شهردار از انسانهای آگاه و مطلع در مدیریت شهری کمک بگیرد

– چه انتظاراتی از شهردار جدید بوشهر دارید؟

– شهردار باید درآمدهای پایدار برای شهرداری ایجاد نماید و شهرداری را از وابستگی به دوایر دیگر نجات دهد.

– با توجه به حجم مشکلات شهر بوشهر، به نظر شما اولویت شهردار بوشهر چه باید باشد؟

۱– عمرانی – تجهیز اداره فنی امانی شهرداری و آسفالت کوچه ها و روکش آسفالت خیابانها.

۲– شهرسازی : نظارت صحیح و کافی بر امر ساخت و سازها و جلو گیری از ورود دلالان به سیستم شهرداری.

۳– شهرسازی : ترمیم و بازسازی ساختمانهای بافت قدیم شهر بوشهر.

۴– مالی : ایجاد درآمدهای پایدار و کاهش بدهیهای شهرداری و شفاف سازی مالی برای مردم.

۵– خدمات شهری: تاسیس کارخانه کمپوست زباله و نجات شهر بوشهر از وضعیت فعلی دفن زباله.

۶– اداری : ادغام واحدهای املاک و حقوقی شهرداری و رسیدگی بیشتر به املاک شهرداری.

۷– ساختمان سازی : ساختمانهای شهرداری ناحیه ۱ و واحد فرهنگی و اتوبوس رانی و تاکسی رانی و ساختمان شهرداری ناحیه ۲ کرایه می باشند و ساختمان شورای شهر (امیریه) با قدمت ۲۰۰ سال فرسوده و قابل سکونت نمی باشد. لذا با توجه به املاک موجود شهرداری، ساختمان سازی شود.

– چه توصیه و پیشنهادی برای شهردار جدید بوشهر دارید؟

– بوشهر یک سال بدون شهردار بوده است و شهردار می بایست وضعیت مالی و عمرانی و خدماتی و برنامه های خود را شفاف با مردم در میان بگذارد و از انسانهای آگاه و مطلع در مدیریت شهری کمک بگیرد.

زنان به استادیوم رفتند / اسلام و نظام و کشور پابرجا هستند؛ آسمان هم سر جایش هست

جعفر محمدی: زنان و دختران ایرانی به استادیوم آزادی رفتند و از نزدیک به تماشای مسابقه تیم ملی کشورشان و بولیوی رفتند. هر چند همه بانوانی که دوست داشتند این مسابقه را از روی سکوهای آزادی ببینند نتوانستند وارد استادیوم شوند و فقط تعداد محدودی از نزدیکان اهالی فوتبال اجازه یافتند، اما این اتفاق یک گام به جلو بود و مقدمه ای برای رسیدن بانوان ایرانی به یک «حق» کاملاً بدیهی.

روی سخنم با آنانی است که حضور زنان در عرصه های اجتماعی و از جمله ورزشگاه ها را بر نمی تابند:

به دور و برتان نگاه کنید! آسمان سر جایش است و به زمین نیامده! فصل ها به هم نخورده اند، اسلام همچنان زنده و پاینده است، نظام پابرجاست، پرچم ایران برافراشته است، مردم به زندگی عادی شان مشغول اند، اختلاسی هم به خاطر این ماجرا رخ نداده است و ... .

می بینید که همه چیز سر جای خودش است و تنها از میزان «نارضایتی ناشی از تبعیض» اندکی کاسته شده است (هر چند که همه بانوان را راه نداده اند).

برای نظام جمهوری اسلامی ایران در آستانه ۴۰ سالگی و اقتدارش، بسیار نازیباست «مسأله» اش، ورود یا عدم ورود زنان به ورزشگاه باشد.



بد است که نه برای حفظ حقوق زنانی که نیمی از جامعه را تشکیل داده اند که از ترس تعلیق ورزش ایران توسط نهادهای جهانی ورزش، به زنان اجازه دهیم ساعاتی را در ورزشگاه به تماشای مسابقات بپردازند.

زشت است که زنان و دختران ایرانی را در انتخابات و راهپیمایی ها با هر سبک زندگی که دارند به رسمیت بشناسیم و در رسانه های رسمی و تلویزیون ارج نهیم و وقتی همان ها بخواهند چند ساعتی را به ورزشگاهی بروند و مسابقه ای ببینند، کلی مامور و بگیر و ببند راه بیندازیم که مبادا وارد شوند!

در شأن نظام و مردم ایران نیست که هر از گاهی خبری در رسانه های جهان منتشر شود که دختری را بازداشت کرده اند چون می خواست با گریم مردانه وارد استادیوم شود!

شرم آور است که در کشوری با هزاران مشکل داخلی و خارجی، هنوز بر سر و کله همدیگر بزنیم که زنان به استادیوم بروند یا نه؟

این موضوع را همین جا ختم به خیر کنیم و درهای ورزشگاه ها را که با پول همین مردان و زنان ساخته شده است را به روی زنان و مردان ایرانی باز کنیم، هر که خواست برود و هر که خواست نرود.

قطعاً دفعات بعد که بانوان به استادیوم بروند، باز هم آسمان به زمین نخواهد افتاد و زندگی ادامه خواهد داشت.

عصر ایران

زنان سفیران صلح

فریده غیرت

– در سال‌های اخیر شاهد رشد زنان در عرصه‌های مدیریتی و در سطوح مختلف هستیم. حالا که دولت جمهوری اسلامی به زنان این امکان را داده است که وارد عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شوند و توانایی‌های خود را در زمینه‌های مختلف ابراز کنند، اتفاق خوبی است که در عرصه بین‌المللی هم از حضور زنان بهره‌مند شود چرا که آنها می‌توانند به خوبی در معرفی درست ایران سهیم باشند. این زنان می‌توانند در مقابل تبلیغات منفی که علیه ایران در خارج از کشور وجود دارد بایستند و تصویری که این روزها از کشور ما در عرصه بین‌المللی ارایه می‌شود را اصلاح کنند.

– در شرایطی که بسیاری از رسانه‌های جهانی در تلاشند که تصویری غیر از این از ایران ارایه دهند، زنانی که مقامات دولتی و مسوولان وزارت امور خارجه، به عنوان سفیر به کشورهای دیگر اعزام می‌کند، بهترین معرف برای ایران و شرایطی هستند که در ایران حاکم است.

– در بسیاری از عرصه‌های کشور ما زنان تأثیرگذار و توانمندی در حال فعالیت هستند و اتفاق مثبتی



که می‌تواند بیفتد این است که تعدادی از این زنان به عنوان سفیر در کشورهای دیگر فعالیت کنند و همان طور که در داخل کشور در کسوت معاونان و مشاوران رییس‌جمهور یا به عنوان استاندار و اعضای شورای شهر و شهردار یا مسوولیت‌های دیگر نقشی تأثیرگذار دارند در خارج از مرزها هم بتوانند این تأثیرگذاری را نمایندگی کنند.

– در گام بعدی و پس از تصدی زنان به عنوان سفیر می‌توانیم از توانایی دیگری که در آنان پر رنگ است برای ثبات صلح بهره‌مند شویم، چرا که زنان گرایش بیشتری به سوی صلح دارند و مذاکره‌کنندگان خوبی هستند. زنان در خصایص اخلاقی و فکری دارای روحیه صلح طلبی هستند و کمتر به سمت جنگ و منازعه می‌روند.

– امیدوارم همان طور که در حکومت ما زنان بسیار موفقی در مسند کار هستند، به زنان پرو بال داده شود تا بهتر از این عمل کنند، خوشحال می‌شویم که در صحنه‌های بین‌المللی هم با قدرت ظاهر شوند. به طور قطع ما زنان توانمند و قدرتمندی داریم که می‌توانند در عرصه‌های بین‌المللی هم نقش تأثیرگذاری داشته باشند.

آگهی حصر وراثت

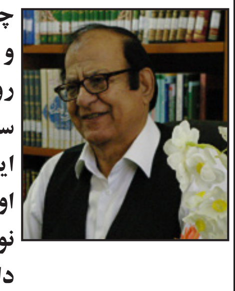
آقای داود سعادت دارای شناسنامه شماره ۲۰۴۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۳/ح/ش-۹۷/۵۵۹ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داشته که شادروان حسین علی سعادت به شناسنامه ۵ در تاریخ ۹۵/۹/۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- داود سعادت فرزند حسین علی به شماره شناسنامه ۲۰۴۴ متولد ۱۳۴۰ پسر متوفی ۲- یوسف سعادت فرزند حسین علی به شماره شناسنامه ۸۴۸ متولد ۱۳۶۴ پسر متوفی. ۳-حسن سعادت فرزند حسین علی شماره شناسنامه ۲۰۲ متولد ۱۳۵۲ پسر متوفی. ۴- ناصر سعادت فرزند حسین علی شماره شناسنامه ۱۶۴۵۴ متولد ۱۳۵۳ پسر متوفی. ۵- خدیجه سعادت فرزند حسین علی شماره شناسنامه ۱۴۲۵۸ متولد ۱۳۴۸ دختر متوفی. ۶- ستاره سعادت فرزند حسین علی شماره شناسنامه ۱۴۲۵۷ متولد ۱۳۴۶ دختر متوفی و لاغیر. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. (شماره ۸۸۹ م الف)

عبدالحسین صفدری

رییس شعبه ی سوم شورای حل اختلاف دادگاه عمومی برازجان

بیزه ی بارون*

حیدر عرفان



چه بگم که هی بگم تا باد و بارونی بیا
روز و ماه و هفته ای یا سال ارزونی بیا
اینگلانه کهخدا که نومه - اومد میکنه
نویمو که مو بگم که ریشه دارونی بیا
قسمت همه که نی تا بگون سی دلشون
که اوری بیبیه، شُر شُر بارونی بیا
آرمونم، سی یه سال تَر گلی، نه بس و کم
اور و بارون بکنه، یه تیره بارونی بیا
شویلدایم گذشت، یه باد و بارون نیومد
اور و بارون بییه، هی هی چیپونی بیا
باغبون، راساوو، ری بکنه و باغسون
لاگردون بکنه، تا ایکه پیمونی بیا
ای مُسم خاشه که رنگینک پی روغن کنی
چیشش وره واوی- اُشتر درنگونی بیا
کُمسرک بَسه، پی کار و کاسوی برو
هم دعا کُ که همی یه سالِ پُر نونی بیا
شُله خرمی، پس کار، مزّه میده، خیلی خشه
نشی جونت، تو بگو تا نیِ همبونیِ بیا
بعدِ، ای، و آسمون، دس بالا کُ
که خدا عمری بده روزی بسامونی بیا

۱- بگویم ۲- پیوسته/همی ۳- بارانی ٤- ارزانی
٥- اینها را ٦- کدخدا (خداوند) ۷- نیامد ۸- آمد
۹- می کند ۱۰- نمی شود ۱۱- من
۱۲- ریشه داری
۱۳- سهم/بهره/روزی ۱٤- همه/ همگان
۱٥- نیست/ نمی باشد
۱٦- بگویند ۱۷- برای ۱۸- دلهایشان
۱۹- ابری (یکپاره ابر) ۲۰- بیاید ۲۱- بارانی
۲۲- آرزو دارم ۲۳- برای ۲٤- یک/یکی
۲٥- ترسال/ پرباران گل ۲٦- بس نه/ بسیار فراوان
۲۷- بکند/بیاورد (بیاید)
۲۸- یک تیره/یک رگبار
۲۹- بارانی
۳۰- شب یلدا/دیجور
۳۱- نیامد
۳۲- بیاید
۳۳- چوپانی ۳٤- باغبان
۳٥- برخیزد (راست بشو) ۳٦- روی ۳۷- بکند
۳۸- به ۳۹- باغستان (نخلزار)
٤۰- پشته ی آبگردان بسازد
٤۱- اینکه ٤۲- (آب پُر پیمانی (به اندازه)
٤۳- این ٤٤- موسم ٤٥- خوش است
٤٦- رنگینک (درهم دانه ی خرما با آرد و روغن تف داده بر روی آن)
٤۷- همراه/ با ٤۸- چیش/چشم ٤۹- در راه/ براه
٥۰- به اندازه نوشیدن شتر با، ...
٥۱- ظرف کوچکِ دهان کشیده که به کودک داروی آبکی می نوشانند.
٥۲- از روی شکم سریدن ٥۳- بس می باشد.
٥٤- به دنبال- همراه
٥٥- کاسبی/کار کردن و پول درآوردن
٥٦- بکن/کن
٥۷- یک/ یکی
٥۸- آب پز کردن بسته ی خرمای بدون هسته
٥۹- پس از
٦۰- مزه/ طعم
*- یار باران (خواهی)

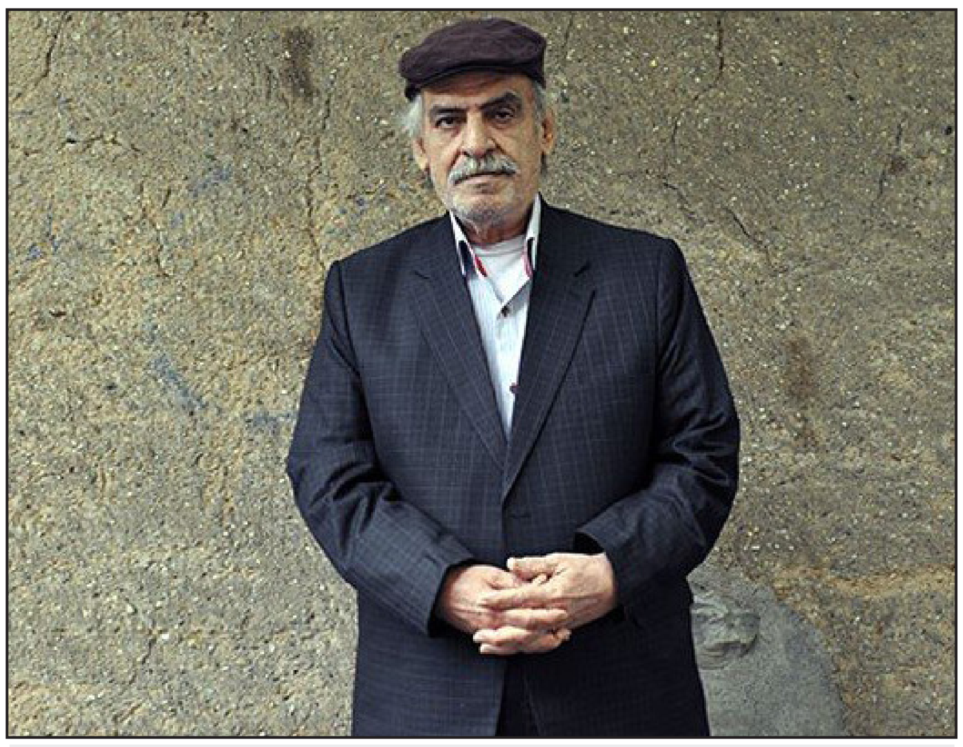
دو نمایشگاه عاشورایی در گناوه

دو نمایشگاه عکس سربازان کوچک امام حسین(ع) و تن پوش های عاشورایی به همت موسسه نیمدری سبز در گناوه برگزار شد.
به گزارش خبرنگار مهر، محمد مظفری معاون دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری بوشهر در مراسم افتتاحیه این دو نمایشگاه گفت: امروز برای توسعه فرهنگی در جامعه باید روی سمن‌ها حساب ویژه‌ای باز کرد.
وی افزود: امروز بیش از همیشه باید برای توانمندسازی سازمان‌های مردم نهاد برای توسعه فرهنگی جامعه توان بگذاریم.
وی با اشاره به اینکه در حوزه مد ولباس در سال‌های گذشته کمتر وقت و توان گذاشته‌ایم افزود: عدم سرمایه‌گذاری ما در حوزه مد ولباس باعث شده ما مصرف کننده ایده های دیگران باشیم.
مظفری گفت: نمایشگاه تن‌پوش‌های عاشورایی حاصل ایده های نو در حوزه کارآفرینی است که می تواند خروجی‌اش در توانمند سازی بانوان و تولید کالای ملی مورد توجه قرار بگیرد.
لازم به ذکر است بیش از ۱۸ قطعه عکس از خانم کوثر مظفری و محمد فرخی نیا و ۲۰ نمونه تن پوش از خانم آمنه فروردین در این نمایشگاه تا دهم آبان در گالری تالار بهزاد گناوه به نمایش در خواهد آمد.

ضرورت تعاملات فرهنگی ایران و هند در مصاحبه با ایرج صغیری

قلندر در شب های بمبئی

جمیل رزمی : جناب استاد ایرج صغیری ضمن تشکر از این که دعوت ما را برای انجام این مصاحبه پذیرفتید و به ما فرصت این دیدار و گفتگو را دادید سپاسگزاریم.
- لطفاً بفرمایید ماجرای سفر شما به عنوان یک چهره شاخص فرهنگی به هند چه بود؟
- ابتدا باید عرض کنم که من در حال حاضر گرفتار دو بیماری آزاردهنده هستم. روی همین اصل وقتی که آقای احسان عبدی پور کارگردان جوان شهرمان از من دعوت کرد که در این سفر همراهشان باشم موضوع بیماریم را عنوان کردم اما ایشان اصرار داشتند که ما روی شما حساب کرده ایم و باید بیایید و از آن جا که همه ی هنرمندان شهرم برایم عزیز و محترم هستند مخصوصاً احسان که یکی از شاگردان خوبم بوده پیه رنج سفر را در بیماری به خود کشیدم و در کنار عده ای از هنرمندان و زحمتکشان فعال عرصه هنر این سفر را آغاز کردم لازم می دانم که همین جا بگویم که این عزیزان همسفرم مرا شرمنده کردند و هر چه در توان داشتند بکار بردند که بیماری خود را کمتر احساس کنم که تا حدودی هم موفق بودند با خود اندیشیدم که حضور من به عنوان مسن ترین مسافر نقشی هر چند کوتاه و کوچک دربرخواهد داشت بنابراین به مطالعه و جمع آوری مطالب ارزشمندی برای سخنرانی خود پرداختم و مقدمات سفر را فراهم ساختم پس راه افتادیم و به سوی بمبئی رهسپار شدیم بمبئی همیشه برای من شهری بوده خیال انگیز و متفاوت. متفاوت با همه ی عالم چه به لحاظ شکل ظاهری مثل پهنا و عظمت و جمعیت این شهر و چه به لحاظ نزدیکی و خویشی و قرابت طبیعی این بندر بزرگ با بندر کوچک ما داشته است. بنابراین گمانم بر این بوده که با همه علاقگی ام به سفر خارج (به طور کلی) اما با این وجود بمبئی دیدنی است.
- موضوع سخنرانی شما در بمبئی بر چه محوری استوار بود؟
- قرار بر این بود که بنده سخنرانی که در بمبئی می کنم با محتوای ستایش از نزدیکی و قرابت دو بندر، نزدیک به هم به خصوص که با همه تفاوت در جمعشان سخت به هم نزدیک و شبیه اند از این رو در آن سخنرانی کذایی به این موارد همگونی که در زمینه های مختلف بین بندر بمبئی و بوشهر وجود داشت پرداختم.
- اصولاً این سفرها چه بازخوردهایی می تواند در انگیزش های فرهنگی به همراه داشته باشد؟
- به نظر من اگر شرایط لازم برای بهره گیری از این گونه سفرها فراهم باشد می توان نتیجه های پرباری را از این سفرها گرفت و گروه با دست پر به دیار خود بازگردد باید در نظر داشت که این سفر در نوع خود یک آغاز به حساب می آید و حق هم همین بود امیدوارم سفرهای آتی از این دست مکرراً رخ دهد تا دست کم جوانان هنرمند بوشهری صاحب دید و خیال انگیزی گسترده شوند.
- برخی افراد به علت عدم اطلاع از اصل ماجرا به کلیت برنامه تاختند نظر شما چیست؟
- البته اوضاع دشواری که در حال حاضر در کشور ما با آن دست و پنجه نرم می کنیم ممکن است باعث شده باشد که جوانانی به ظن خود امور واجب تری را در شهرمان ببینند که انجام آنها را با استحقاق بیشتری ملاحظه کرده اند اما کارهایی از این دست هم برای توسعه و گسترش فرهنگ و هنر لازم است.
- فضای برخورد مردم و رسانه های هندی با هفته فرهنگی بوشهر در بمبئی چگونه بود؟
- همان طور که خودتان هم دیدید رسانه های دیداری و شنیداری مصاحبه کردند و مردم خیلی لطف داشتند ولی آمدند بابت سخنرانی تشکر می کردند و خانواده ها می آمدند و عکس می گرفتند حتی یک ناخدای بوشهری که سال ها مقیم و ساکن بمبئی است پیش من آمد و با من گفتگو کرد حتی از گجرات هند برای مشاهده هفته فرهنگی بوشهر به بمبئی آمده بودند خوب بود.
- جناب استاد بفرمایید که آیا تاریخ تئاتر ایران و بوشهر بار دیگر شاهد ابوذر و قلندرخونه خواهد بود؟
- باید به عرض تان برسانم با این که فاصله زمانی اجرای این دو اثر بسیار طولانی (ابوذر در سال ۵۲ و قلندرخونه در سال ۵۴) است ولی شادمانم که هنوز بعد از گذشت بیش از چهل و اندی سال می بینم عزیزانی مثل شما در ذهن خود این دو اثر نمایشی را خاطره انگیز نگه داشته اید چه دستمزدی از این رفیع تر و ارجمندتر برای من که در این دو کار نقشی اساسی داشته ام شوربختانه شرایط پیش آمده برای هر دو اثر به گونه ای بود که تکرار چنین آثاری سخت و دشوار آمد وگرنه این آرزوی بزرگ من است که بتوانم حداقل سالی یک چنین آثاری را تقدیم هموطنان و همشهریانم کنم.
- نظرتان در مورد دخیل جوانان مستعد و علاقمند به هنر تئاتر بوشهر و استان چیست؟
- سخت است که انبوهی از جوانان مستعد دیارم را می بینم که بنا به دلایل مختلفی امکان ارائه هنر شایسته خود را فرا چنگ نیاورده اند برای ایجاد آثار فاخر و ماندگار در شهر کوچک و دورافتاده ای مثل بوشهر باید ابزار گوناگونی فراچنگ آید که برای خیلی از جوانان بوشهری به دست نیامده است، علت ها هم متفاوت و گوناگون است. به نظر من سهل انگاری سه دسته یا قشر از عوامل اساسی این ناکامی است اول از همه و مهمتر از همه تنبلی و کم کاری خود هنرمندان جوان است، حیرت انگیز است که پنداری این دسته از هنرمندان منتظرند تا مثلاً فرشته ای به یاری آنها بیاید و تمامی زحمات و مرارت ساخت اثر هنری شان را انجام دهند و آنان آسوده بنشینند تا اثری بدون زحمت و تلاش به نام آنها ثبت شود و مهمترین تلاشی که باید این هنرمندان جوان دیارمان بکار گیرند آگاهی از راه مطالعه (خواندن کتاب و دیدن فیلم و تئاتر) و بعد از آن عشق به هنر و بکارگیری خیال و خیال انگیزی خود است. و سرانجام شناسایی قدر و ارج خود می باشد متأسفانه تمام تقلاهای من برای باسواد کردن جوانانی که به سویم می آیند تا حالا بی نتیجه مانده است دشمن واقعی این جوانان تنبلی است بارها با درد فریاد زده ام که دشمن شما جز شیطان تنبلی و راحت طلبی نیست. ایجاد و خلق یک اثر هنری هزینه دارد و مفت به چنگ نمی آید باید حتی بیش از طاقت خود زحمت بکشند و تلاش کنند اما دریغ و درد... یک بار در سخنرانی گفته ام از بس که چشم به در حیاط در انتظار هنرمندی چنین بوده سفید شد اما دریغ و درد...
دسته دوم مدیرانی هستند که گویا وظیفه حمایت از هنرمندان را از یاد برده اند این دسته از مدیران باید بدانند که جوانان هنرمند در شرایط فعلی با حمایت صادقانه آنهاست که می توانند کاری کارستان کنند. تشویق هنرمندان و حمایت های گوناگون از آنان می تواند نقشی کاری ایفا کند البته منظورم فقط حمایت ها مادی نیست چه بسا هنرمندانی که با تشویق کلامی در یک جمله جان می گیرند و به خلاقیت می رسند و اما دسته سوم، شهروندان هر شهری هستند. بوشهری ها باید ارزش انسانی تئاتر را بدانند و بشناسند و با تماشای تئاترهای شهر خود با فرهنگی و هنری اندیشه خود را توسعه دهند، در نقد و دخالت و اظهارنظر درباره نمایش هایی که اجرا می شوند نقش بی گفتگویی در بالا بردن نیروی فرهنگی و هنری هنرمندان دارند.
- جناب استاد صغیری از اینکه ما را پذیرفتید و وقت تان را در اختیار خوانندگان هفته نامه نسیم جنوب قرار دادید بسیار سپاسگزارم و اگر احساس می کنید که حرفی برای گفتن است که از شما نپرسیده ایم لطفاً بفرمایید.
- به نظرم شما با هوشیاری و صداقت همه گوشه های قابل ذکر این حرکت را مطرح کرده اید و پاسخ آنها را نیز البته تقریباً به صورت مناسب گرفته اید.
- من هم بابت فرصتی که در اختیارم قرار گرفت تا با مردم با فرهنگ و هنردوست شهرم گفتگو کنم از شما سپاسگزارم به امید روزهای بهتر برای مردم و هنرمندان این دیار.



سخت است که انبوهی از جوانان مستعد دیارم را می بینم که بنا به دلایل مختلفی امکان ارائه هنر شایسته خود را فرا چنگ نیاورده اند برای ایجاد آثار فاخر و ماندگار در شهر کوچک و دورافتاده ای مثل بوشهر باید ابزار گوناگونی فراچنگ آید که برای خیلی از جوانان بوشهری به دست نیامده است

هنرمندان بوشهری در شب های خیال انگیز

جمیل رزمی



خبر سفر گروهی از هنرمندان و اهالی هنر شهرمان به هندوستان به عنوان سفیران فرهنگی و برگزاری هفته فرهنگی بوشهر در فضای مجازی بازتاب های متفاوتی داشت و هر کس فراخور این سفر به اظهارنظر در این زمینه پرداخت پس از قریب به یکماه از اجرای این رویداد فرهنگی متفاوت با هر آنچه که تاکنون در این بندر قدیمی داشته ایم بر آن شدیم تا برحسب یک رسالت مطبوعاتی علاوه بر بازنشر خبر به چرایی این سفر، بازخورد و دستاوردهای آن از منظر علمی، فرهنگی و عامه مردم بپردازیم باشد که کمکی هر چند کوچک به رشد و تعالی فضای فرهنگی شهر و دیارمان کرده باشیم.
لذا برای ورود به این داستان باید گفتگویی از سر صدق با طراحان، برنامه ریزان، مجریان و حتی مسافران این سفر خاطره انگیز به شهر بمبئی دومین شهر بزرگ هند داشته باشیم. به همین خاطر به جهت آشنایی خوانندگان عزیز به اهمیت و جایگاه این شهر ابتدا به معرفی این شهر می پردازیم تا همگان به اهمیت این سفر فرهنگی پی ببرند. شهر بمبئی که در زبان هندی به آن مومبای گفته می شود پایتخت ایالت ماهاراشترا از مهم ترین و در عین حال معروفترین شهرهای هند پس از دهلی نو محسوب می گردد بمبئی به زبان هندی به معنای ساحل خوب است این شهر با وسعتی برابر ۶۰۳ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۱۳/۳۰۰/۰۰۰ (سیزده میلیون و سیصد هزار) نفر در غرب شبه جزیره هند قرار دارد و به عنوان پایتخت تجاری آن محسوب می گردد بمبئی در واقع بزرگترین مرکز بانکداری، تجاری، مبادلات مالی، بازرگانی و صنعت کشتی سازی هند به شمار می رود این شهر به عنوان شاهراه ارتباطی هند با ایران و جهان عرب است و دارای اهمیت راهبردی می باشد و همچنین بزرگترین مرکز تولید پارچه های پنبه ای و فیلم های سینمایی است از این رو به تقلید از سینمای آمریکا به بالیود شهرت دارد.
علاوه بر آن بمبئی یک مرکز مهم فرهنگی و گردشگری به شمار می رود که در آن دارای روزنامه هایی به زبان های مختلف است. در این شهر نشریاتی متعلق به پارسیان وجود دارد ماهنامه پارسیانا و روزنامه تخت جمشید که به زرتشتیان تعلق دارد از جمله آنهاست در حال حاضر شبکه و کانال تلویزیونی بخش خصوصی وجود دارد که به شیعیان تعلق دارد.
ایرانیان از گذشته های دور جهت ادامه تحصیل در دانشگاههای معتبر هند به این شهر می آمدند اکثر ایرانی هایی که در گذشته به بمبئی مهاجرت کرده اند مردمان شهرهای یزد، تفت، برخی از شهرهای استان فارس و جنوب ایران که در طی ۹۰ سال گذشته به علت وقوع دو دوره خشکسالی در اوایل قرن اخیر در مناطق مرکزی و جنوبی ایران به هند مهاجرت کرده اند و از آنجایی که بمبئی شرایط مناسبی را برای اقامت ایرانیان داشت آنها در این شهر بزرگ ساکن شدند شغل اغلب ایرانی های مهاجر، تجارت



چای به عنوان یکی از بزرگترین تولیدات کشاورزی هند و مشاغلی از قبیل اغذیه فروشی و قهوه خانه داری بوده است که این مشاغل به طور سنتی از پدران به فرزندان منتقل می شده است.
با وجود اینکه بیش از ۹۰ سال از مهاجرت اولین گروه از ایرانیان به بمبئی می گذرد اما آن ها عمدتاً علاقمند به حفظ هویت ایرانی خود هستند در این راستا خود را قویاً به اخلاق و فرهنگ ایرانی پایبند می دانند. در شهر بمبئی دو تشکل از ایرانیان فعالیت دارند انجمن شیعیان اثنی عشری یزدیان مقیم بمبئی که در سال ۱۹۲۸ میلادی تأسیس شد و دیگری انجمن زرتشتیان ایرانی است.
نکته جالب حضور ۳۵۰۰ جوان ایرانی که برای ادامه تحصیلات به بمبئی می آیند و اغلب آنها در شهر پونا در ۱۵۰ کیلومتری این شهر قرار دارند که از مراکز مهم علمی کشور هند محسوب می گردد وجود آب و هوای معتدل و مطلوب و همچنین به برکت حضور ایرانیان باعث جذب دانشجویان ایرانی در این شهر شده است از زیباترین اماکن گردشگری شهر بمبئی می توان به عمارت تاج محل اشاره کرد.
هفته نامه نسیم جنوب همواره سعی دارد تا به عنوان چشم و گوش شما همه ی رخدادهای اجتماعی، فرهنگی را رصد کند به همین دلیل همراه این تاریخ سازان فرهنگی شما را به این جاده ابریشم فرهنگی می برد و با انتشار اخبار و چاپ تصاویر، گوشه هایی از این رویداد فرهنگی و بازتاب آن در جامعه تلاش می کند تا زحمات این هنرمندان به بوته فراموشی سپرده نشود به دنبال خبر بازگشت هنرمندان به بوشهر و پخش قسمت هایی از این اتفاق فرهنگی در شهر بمبئی در برنامه کیوسک از شبکه سه سیما ما بر آن شدیم تا گزارش پیرامون این مبادلات فرهنگی و هنری تهیه نماییم و برحسب مأموریتی که هفته نامه برعهده ام گذاشت پس از یک گفتگوی سازنده با روزنامه نگار سرشناس عبدالکریم نیسنی و برنامه ریزی جهت گفتگو با چهره های شاخص این سفر فرهنگی؛ افراد مدنظر شناسایی و مقدمات ملاقات با آنها فراهم شد که این مصاحبه ها، برداشت های متوالی خدمت شما دوستدار فرهنگ و هنر تقدیم می گردد.
برداشت اول: مشهورترین مسافر این سفر خیال انگیز ایرج صغیری است وی دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد است وی خالق تئاتر قلندرخونه اثر جاودان عرصه نمایش ایران، فیلم سینمایی سفر غریب، سریال تلویزیونی ماهیگیران کوچک و نویسنده کتاب مشهور خالو نکیسا، بنات النعش و محپلنگ است و جالب است که بدانید این حرکت فرهنگی از این جهت حائز اهمیت است که می شود گفت وزنه سنگین یک پیشکسوت هنری را در جوار خود داشته نکته ای که در آغاز این مصاحبه با هنرمند توانا و نمونه شهر و کشورمان گفتنش ضروری می باشد این است که حضور ایرج صغیری به عنوان یک چهره فاخر فرهنگی در سفر خواهرخواندگی دو بندر دیرپای می باشد که به جرأت می توان گفت حضور این قلندر عرصه فرهنگ و هنر به گونه ای روشن و آشکار، برد مشروعیت و کارایی این حرکت را تعالی بخشیده است این عمل وی از جمع اقدامات قابل ستایش و تحسین که با تن تب دار خود همشهریان هنرمند جوانش را در این سفر تنها نگذاشت.

جشنواره تئاتر فجر استان بوشهر نیمه دوم آبان برگزار می‌شود

رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر گفت: سی‌امین جشنواره تئاتر فجر استانی بوشهر نیمه دوم آبان برگزار می‌شود.
به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، جهانشیر یاراحمدی در نشست هماهنگی برگزاری جشنواره تئاتر استانی بوشهر جایگاه این جشنواره را مورد اشاره قرار داد و اظهار داشت: استان بوشهر دارای ظرفیت‌های بالایی در عرصه تئاتر و هنرهای نمایشی است.
وی از معرفی آثار منتخب برای حضور در سی‌امین جشنواره تئاتر فجر استانی بوشهر خبرداد و اظهار داشت: هیئت انتخاب سی‌امین جشنواره تئاتر فجر استانی بوشهر، پس از شش روز مستمر کاری و دیدن نمایش‌های متقاضی شهرها و مناطق مختلف استان آثار منتخب خود را اعلام کرد.
رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر با بیان اینکه از مجموع ۳۱ آثار ۱۴ اثر برای حضور در بخش مسابقه این رویداد هنری مشخص شدند افزود: نمایش "تور" کار سید مهدی محمدی از دیلم، نمایش "طهرون" کار حسن رضایی از بوشهر، نمایش "همیشه باید طرف مرده‌رو گرفت" کار محسن حلوایی از بوشهر، نمایش "کوچه مختار بود و ساسان بود و سیمین" کار جواد صداقت و الهام ابنی از بوشهر، نمایش "عروس خون" کار فضل الله عمرانی از بندر دیر و نمایش "نپتا" کار حسین اسدی از خارگ شش نمایش انتخاب شده در سی امین جشنواره تئاتر فجر استانی بوشهر هستند.
یاراحمدی بیان کرد: همچنین نمایش "به چرک می نشیند" کار علی حجی از گناوه، نمایش "افسانه‌های نیمه افلیج" کار علیرضا رحیم‌زاده از گناوه، نمایش "بی طال" کار کوشیاریزدانی از آب پخش، نمایش "مبارزه زن ماهیگیر" کار مجتبی حیدری ازبرازجان، نمایش "دالتون‌ها" کار ابوذر یزدان پناهی از بوشهر و نمایش "تعزیه‌ای در باب خودکشی" کار ابوذر مختارزاده از کنگان نیاز به اصلاحیه دارند که باید تا آغاز جشنواره موارد ذکر شده را تصحیح شود.
وی با بیان اینکه دو نمایش "بازگشت تارزان" کار رامتین بالف و "کمدی اسشمامات" کار عبدالرسول محمودی نیاز به بازبینی دارند گفت: میترا خواجه ئیان، حیدر مظفری و شاهین بهرام‌نژاد به‌عنوان هیئت داوران و محمد لطفی ناظر و نماینده شورای نظارت بر تئاتر استان در این جشنواره حضور داشتند.
رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر خاطر نشان کرد: سی امین جشنواره تئاتر فجر استانی بوشهر نیمه دوم آبان برگزار می‌شود.

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۸۷۷ یکشنبه ٦ آبان ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

خطرناک بودن خدمت به استان بوشهر!

بابک فقیه

حدود دو هفته از برکناری و انتقال بحث برانگیز دکتر یونس خسروانی از مدیرکلی سازمان تامین اجتماعی استان بوشهر به مرکز می گذرد، بی فایده نیست اگر با تدقیق چرایی و روند این قبیل از عزل و نصب ها را واکاوی و تحلیل کنیم تا بلکه تلنگری باشد برای هوشیاری های آینده و یا دست کم بدانیم که چه می گذرد در این استان!

(آنچه در این مطلب آمده، دستکم با تمام توان سعی شده است که فارغ از هر گونه ملاحظاتی مطرح گردد! اینکه چقدر در این مورد موفق بوده ام، به عهده مخاطبان!)

در مورد روش و شیوه ی مدیریت خسروانی و نحوه ی اداره ی سازمان عریض و طویل تامین اجتماعی استان بوشهر با گردش مالی حدود دوهزار میلیارد تومان در سال، ارتباط و تعاملاتش با جامعه و فعالان عرصه های فرهنگی، ورزشی، مدنی و سیاسی، بسیار می توان با ذکر مثال مورد به مورد نوشت و گفت! منتها حداقل تصور من این است که این موضوع آن قدر برجسته بوده هست که لزومی به گفتن نداشته باشد! و البته منم قصد پرداختن به آن را ندارم.

طبیعتاً معایب احتمالی مدیریت او را هم می شود در این نوع از بررسی ها جست و جو کرد و شناخت! که این نیز هم به عهده ی دیگران!

اما به گمانم آنچه که در این رابطه از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است و پرداختن به آن ضروری و مهم تر به نظر می رسد، شرایط امروز و وضعیت سیاسی مدیریتی حاکم در استان ما است که تداوم و برقراری این وضعیت یقیناً نه تنها در جهت منافع خرد و کلان عمومی نیست، بلکه باعث تحمیل خسارات مختلفی نیز به آن خواهد شد.

برای رسیدن به تحلیلی منطبق با واقعیات، ابتدا لازم است شرایط و وضعیت سیاسی مدیریتی موجود استان (وابسته به دولت و مجلس) و توانایی، استقلال و ظرفیت نماینده ارشد دولت اعتدالی، نوع تعاملاتش با نمایندگان پارلمان، حد و حدود و برنامه های خودِ نمایندگان و برخی کنشگران و فعالین سیاسی مدیریتی را شناخت.

کمی بعد از استقرار دولت دوم روحانی، با تعویض استاندار بوشهر و استقرار جایگزینش، گروهی از نیروها و فعالین سیاسی مدیریتی در بدنه دولت، با ایجاد و بعضاً بهبودِ روابط خود با برخی از نمایندگان مجلس که تا پیش از این میانه ی خوبی با استاندار قبلی نداشتند، پرداختند. گرچه تاکنون از این بهبودیِ روابط چیز دندان گیری عاید مردم نشده، اما هر کدام از این نیروهای فعال سعی کرده اند بازی را به سوی منافع حال و آینده ی خود به گردش درآورند.

همه این بازیگران به فراخور وضعیت و منافع خود و گروهشان بازی می کنند و البته به نوبت موقعیت ها را به یکدیگر پاس کاری می کنند تا گل شان به ثمر برسد. در پَس پشت تمام این پاسکاری ها برخی از اهداف به شدَت آشَکار و نمایان است که با توجه به آنچه تا کنون مشاهده کرده ایم به جرأت می توان گفت اکثریت به سمت منافع نیست!

گروه یا عده ای پشت پرده به دنبال ایجاد و استقرار یک سلسله ی مدیریتی به هم پیوسته در استانند که بتوانند بواسطه ی آن منافع واحدی را دنبال کنند! تعدادی به دنبال گسترش و تکثیر افراد همسو و حامیان خویشند و برای تداوم و ارتقاء مقام خویش در دولت و مجلس درگیر بازی اند. گروه و یا عده ای بطور خاص نگاهشان به انتخابات آینده مجلس است و سعی می کنند تا آنجا که می توانند، یکه تاز میدان باشند و مجال را برای رقیبان تنگ و برای خویش فراخ تر کنند. (یکی از قوی ترین انگیزه ها) اما اینکه تعویض دکتر خسروانی کجای این بازی ها و فعل و انفعالات سیاسی مدیریتی قرار دارد و چرا با وجود کارنامه ای موفق، دستکم در این زمان با آن ترتیب از بوشهر دور شد!؟

خسروانی مستقل از آن گروه هایی که ذکرشان رفت، به لحاظ خصوصیت فردی دارای خصلتی بلندپروازانه، مستقل از آنها، بسیار فعال و آرام ناشدنی، دارای برنامه و آینده نگر است، که توانسته با روابط عمومی قوی ای که دارد، طی حدود سه سال گذشته خود را در بوشهر از فردی تقریباً ناشناس، به چهره ای تأثیرگذار، موجه و شناخته شده تبدیل کند. جالب آنجاست که این ابراز موجودیت او نه فقط بابت مدیرکلی و یا زیر و زبر کردن سازمان تامین اجتماعی از شمال تا جنوب استان بوشهر است، بلکه به دلیل ورود جسورانه و مداخله گرایانه اش در انواع و اقسام موضوعات خارج از حدود و اختیارات سازمانی اش بود. از دخالت و همراهی مؤثر با اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شورای شهر گرفته تا رایزنی برای تأیید صلاحیت برخی از کاندیداهای رد صلاحیت شده در انتخابات شورای شهر! از تامین هزینه ی ساخت و ساز خانه و مستغلات برای مستضعفان با تشکیل گروهی از خیرین گرفته تا تامین هزینه آزادسازی زندانیان بی بضاعت! از کسب آراء اکثریت اعضای شورای شهر بوشهر برای انتخاب شهردار گرفته، تا رایزنی با برخی از نمایندگان مجلس استان ما و برخی استانهای دیگر، برای عدم رأی آوری طرح استیضاح وزیر کار! (نوبت اول!) از همراهی و همکاری با برخی فعالیت های فرهنگی گرفته تا ورزشی و...

کار به درازا خواهد کشید اگر قرار باشد همه ی این فعالیت ها تشریح شود. او به شکل حیرت انگیز و امیدوارانه ای بارها تا بیش از حد توانش نیز خیز برداشته است! و البته در برخی موارد بطور کامل موفق نبوده و تنها در حد کسب تجربه ای محدود شده است!

حاصل و برآیند همه ی آن دوندگی ها و فعالیت ها که عمدتاً در ارتباط با منافع عمومی جامعه بوده است، به لحاظ منافع و عایدات شخصی نیز، دستکم برای او منجر به کسب مقبولیت و محبوبیت نسبی در نزد بخشی از جامعه شده است که همین عامل، مهمترین دلیلی شد که نزد همان گروهی که ابتدا ذکرشان رفت به چهره ای خطرناک بدل شود! تا آنجا که من گمان می کنم رد صلاحیت او و برای شهرداری بندر بوشهر نیز بی ارتباط با همین قضایا نیست! خسروانیِ مدیرکل تامین به اندازه کافی مهار ناشدنی و مداخله گر بود، حال اگر به شهرداری مرکز استان هم می رسید و طبیعتاً به لحاظ وظایف ذاتی شهرداری و ارتباط مداومی که با کل شهروندان پیدا می کرد، نه تنها هرگز نمی شد مهارش کرد، بلکه به تهدید و رقیب فوق العاده جدی ای تبدیل می شد که تمام برنامه ها، سرمایه گذاری و آرزوهای آن دسته جات را بر باد می داد! بنابراین چه بهتر که راه شهرداری مسدود شود. حتی با وجود احتیاج شدید شهر بوشهر، به یک شهردار فعال و کاربلد!

اما برای اینکه این خطر بالقوه برای همیشه در بوشهر خنثی شود، باید از ریشه زده می شد! ماندن او در کسوت مدیرکل نیز همچنان امکانِ تداومِ بخشِ مهمی از فعالیت های او را باز می گذاَشت!

بنابراین می بایست از آن مقام برکنار می شد! به هر طریقی که ممکن بود!

اما برداشتن مدیر کلی با آن همه خدمات آشکار و این مقبولیت کار آسانی نبود! هم به لحاظ افکار عمومی و هم به لحاظ راضی کردن مدیران ارشد سازمان در مرکز.

ناچاراً در مسیر جابجایی او، ائتلافی تازه شکل گرفت! و گروه دیگری نیز که در دوران مدیریت خسروانی، نشیمنگاه شان از کرسی های قبلی دور شده بود، خود را مهیای جدالِ با او کردند.

ائتلافی بین این عده که همواره به شکل پاندولی، گاهی به راست بوده اند، گاه به چپ! و گاهی هم برای دستیابی به اهدافشان از روی چپ و راست رد شده و می شوند، با آن دسته های اول تشکیل شد، تا روند این تغییر از حمایت وزیر وقت در مجلس، تا جار و جنجال در مراسم تودیع به پیش رود!

به هر حال حاصل تمام تلاش های این عده و ائتلاف زودگذرشان به ثمر نشست و یونس خسروانی با سه پیشنهاد از سوی سازمان متبوع خویش مواجه شد! یکی را انتخاب کرد و از دیار خود رفت و ساکن پایتخت شد.

حال بنابر آنچه که سعی شد موجز و مختصر به عرض برسد، می توان سنجید که اینگونه عزل و نصب ها چقدر با منافع عمومی استان ما همخوانی دارد. چقدر بر پایه منافع فردی و گروهی است! با تدقیق و جستجو درخواهیم یافت، که این بازی ها نه تنها هیچ خیر عمومی و منافع استانی ما را در بر ندارند، بلکه باعث تضعیف و تضییع حقوق عمومی استان است.

اما جای سؤال همواره باقی است که چرا باید این شهر و استان به گونه ای مدیریت شود، که به این صورت و بنا به آنچه عرض شد، مدیران لایق و خلاقِ بومیِ همراه با جامعه را بابت چنین ملاحظاتی از دسَت بدَهد و در آن منافع عمومی استان قربانی مطامع برخی اشخاص و گروه ها شودا!؟

اگر مسئولان مربوطه ادعا می کنند که عرایض بنده اشتباه است، باید روشن سازند که منافع عمومی حاصل از تعویض این مدیر بومی دارای چنین کارنامه ای، با فرد محترم خارج از استان چیست!؟ کدامیک از منافع عمومی با اینگونه از تعویض ها تامین خواهد شد؟

خادم... بی حرف اضافه

اسماعیل بهبهانی

مراسم تودیع یونس خسروانی از سازمان تامین اجتماعی برگزار شد. به قول دوستی "مدیران می آیند که بروند و اگر میزهای مدیریت وفا داشتند که نوبت به دیگران نمی رسید."

مدیران امروزی را به صورت کلی می توان در دو گروه دید:

اول مدیرانی که بواسطه عنوانی که دریافت می کنند به جامعه معرفی می شوند و اعتبار خود را از عنوان مدیریتی خود کسب می کنند. بسیاری از مدیران این گونه هستند و به شرط خدمت صادقانه به مردم هیچ اشکالی به آنان وارد نیست.

اما گروه دومی هم هستند که قبل از اینکه حکم مدیریت دریافت کنند بواسطه فعالیت های سیاسی-اجتماعی- فرهنگی و... در جامعه خود کم و بیش شناخته شده هستند و گاهی به همین دلیل به مجموعه تحت مدیریتشان وجهه و اعتبار بیشتری هم می دهند.

در چند سال اخیر هیچگاه گذرم به تامین اجتماعی نیفتاده و چند نفر از دوستانم که در آنجا شاغلند را هم در فضاهای دیگری ملاقات می کنم اما به گواه خیلی از کسانی که با آن سازمان سر و کار داشته اند خسروانی توانسته بود در مدت کمتر از سه سال در کار خود موفق و تامین اجتماعی استان را به سازمانی پرتحرک تر و پویاتر از قبل تبدیل نماید.

یونس خسروانی را پیش از مراسم تودیع، چهره به چهره ندیده بودم و حتی هنوز هم با او رودررو و همکلام نشده ام اما بواسطه فضای مجازی و علاقه شخصی خودم به بعضی از فعالیت هایش او را حتی قبل از اینکه مدیریت تامین اجتماعی استان را بعهده بگیرد به عنوان فردی دلسوز و خوشفکر و علاقمند به خدمت و رشد همه جانبه استان بوشهر می شناختم و یکی از دلایل شناختم از او فعالیت های عام المنفعه و خیره ای است که خسروانی و تعدادی از دوستانش مدتهاست به آن مشغولند مانند: حمایت از افراد و خانواده های بی بضاعت - کمک به بیماران نیازمند- حمایت از ایتام و... کمک به زلزله زدگان و مصیبت دیدگان حوادث و...

اینها تنها بخش کوچکی از فعالیت های یونس خسروانی و دوستانش هست که ندیده ام خود او هیچگاه از آنها حرفی زده باشد.

اما نکته آخر

جدا شدن یونس خسروانی از خدمت در استان شاید موجب نشاط و نشستن لبخند رضایت بر لبان کسانی شده باشد که این نوع فعالیت و محبوبیت او را برنتافته و برای این روز لحظه شماری می کردند و گمان می کنند که با دورشدن خسروانی از استان او را از مردم هم جدا می کنند و...

اما یونس خسروانی بی حرف اضافه ذاتاً "خادم مردم" هست و هر جا که باشد ارتباطش با مردم قطع نخواهد شد.

اطمینان دارم اگر روزی شرایطش مهیا شود مردم استان بوشهر نشان خواهند داد که چقدر خادمان خود را می شناسند و به آنها اعتماد دارند.

تا زندگی پیرزن روستایی می چرخد دعاگوی کسی است که با تامین چرخ خیاطی مشکلات او را کم کرده است... و تا دست دعای پدر و مادر کودک بیماری که هزینه درمان فرزندشان تامین شده به آسمان است و... تا چشمان نمناک دخترکی که جهیزیه اش تامین شده و تا... و تا...

یونس خسروانی "خادمی سربلند" است.

اهل یک استان دستهایت را می فشارد

ایرج صغیری: بزرگوارانی که صادقانه به این دیار خورشیدی صادقانه خدمت می کنند و از بذل هیچ عشق و هیچ محبتی دریغ نمی کنند و نکرده اند و نمی کنند چه بسیار اندکند و از یاد نرفتنی که عنقاوارآشیان بر چکاد بلندای روزگار آشیان کرده اند و دلهای همشهریان را گرم کرده اند و شاد ساخته اند که روح بزرگشان این بلندای اندک از دریا را تاب نمی آورند که بلندپروازند و بلند روح «دکتر خسروانی محبوب» مدیری کم نظیر بود که ما را و دیار ما را که دیار خود او بود «همانند هر نقطه دیگر از این میهن عزیز» در قلوب اهل این استان گرم و حبیب، خوش نشسته بود و هر ارباب رجوعی را با تمام توانش یاری کرد و این گونه بر هر دل دردمند امضایی از مرهم نهاد تا هنگام زندگی می کنید در طمأنینه به سر برد و نام خسروانی را از یاد نبرد با دست های گرم و بلندش به یاری آنان آمد تا عشق و محبت و صفا را با هجی صحیحش به مراجعین خویش بیاموزد که سلامت روح همانا پربهاتر از تندرستی است و هرگز فرو نمی برد و فراموش نمی شود. که عزت آدمی نگهداشت و بزرگداشت محبت است و دیگرخواهی همان رکن رکین از قصد حیات و خلقت آدمیزاد بوده است و خواهد بود که چه زیباتر از آدمی که دیگران را دوست دارد و آفرینش هستی را با این پاک واژگان معنی می کند و به جنبش در می آورد.

آری خسروانی نازنین از اندک مدیرانی بود که رفتنش، ما را و همشهریان مان را بدرود کرد و تا در مأوای فراتر از دیارمان همچنان بنام و عنوان انجام وظیفه، محبت و عشق و عزت را بذر بکارد و حرمت نهد. هر چند تنهایی را نصیب همشهریان نهاد لیک دعای خیر همه ی همدیارانش همراه و بدرقه راه اوست زیرا هر جا که باشد بذر محبت می پاشد یارمند دوستان و عاشقان خواهد بود.

حسادت سد راه پیشرفت

مهندس فرزان اسدی

بدون شک گزینه های مناسب برای مدیریت شرکت ها و سازمان ها به سختی پیدا می شوند. همچنین پرورش مدیران کارآمد نیز از نظر سازمانی و مدیریتی در سطحی بالا از دشواری قرار دارد. در واقع مشکل اصلی یافتن فردی ماهر، دارای تخصص، هماهنگ با شرایط، هنجارها و موقعیت شرکت های مختلف است. آنچه انتخاب مدیر مناسب را تا این حد مهم کرده، تأثیر انکارناپذیر وی بر روی سایر کارمندان است. در حقیقت هنگامی که شیوه مدیریتی نامطلوبی اجرا می شود، تمامی زحمات و دستاوردهای طولانی مدت شما و تیم تان را یکجا نابود خواهد کرد.

همه ما می‌توانیم کسانی را نام ببریم که در محیط کار افرادی تأثیرگذار و بسیار موفق بوده و همیشه آن‌ها را به یاد داریم. واقعیت این است که بهترین‌ها همیشه کسانی هستند که زمان زیادی را برای کمک به موفق شدن دیگران اختصاص می‌دهند: شرکتشان، کارمندانشان، همکارانشان، مشتریانشان و...

بدون شک این افراد برای موفقیت خودشان نیز زمان می گذارند تا هم به اهداف شخصیشان برسند و هم اینکه موفقیت آن‌ها راهی را برای موفقیت دیگران باز کند. پشت سر چنین افرادی همیشه حرف هست، اما همه حرف‌ها تعریف و الگوبرداری است!

برای دستیابی به موفقیت شغلی، خوب کار کردن کافی نیست، دیده شدن و تعامل با دیگران، و اینکه دیگران راجع به شما چه فکر می‌کنند، عامل بسیار مهمی در سرعت پیشرفت و موفقیت است.

هر چند که متفاوت بودن می تواند یکی از این موارد باشد. همه افراد برجسته، شخصیتی به یاد ماندنی دارند. خصوصیاتی مانند شوخ‌طبعی‌های به جا، اعتماد به نفس بالا، محکم صحبت کردن، مثبت بودن و .... هر چند هیچ چیز جای سخت کار کردن را نمی گیرد و سخت کوشی می تواند از شما یک شخصیت برجسته بسازد و اکنون دکتر یونس خسروانی چنین شخصیت برجسته ای را در بین گروه کثیری از کارمندان، مشتریان و مدعوین سازمان خود ساخته و پرداخته نموده است که:

۱- سطح انتظارات را از خود بالابرده است

۲- کار نفر جایگزین را به دلیل نیازمندی به کار مضاعف دشوار نموده است

و امیدوارم که چنین شخصی با این محسنات در جایگاهی فراتر به جامعه خدمت نماید هر چند که چنین افرادی حداقل در استان ما کم نبوده و نیستند اما بعضا شاهد بوده و هستیم که دچار حسادت هایی می شوند که نه تنها نفعی برای مردم ندارد بلکه تنها کسانی که از این حسادت ها ضرر می کنند مردم هستند.

در ریشه یابی عقب ماندگی استانمان از سایر مناطق پیشرو می توان به همین مقوله حسادت رسید، حال در زمینه پیشرفت کاری باشد، ترس از آینده باشد، اقبال مردم به نفر مقابل باشد و یا ... و این حسادت هم فرقی نمی کند که از سوی چه کسی باشد و ممکن است رئیس به زیر دستش باشد یا وکیل به موکلش و یا برعکس و اگر خوب دقت کرده باشید طی چند وقت اخیر فعالیت ها و پی ریزی ایده های نوین در تامین اجتماعی استان و ابراز رضایت مشتریان و بیمه شدگان از یک سو، انتخاب به عنوان شهردار منتخب شورای شهر از سویی دیگر و .... خود می تواند از مواردی باشد که حسادت ها را برانگیزد، چه از سوی وکیل چه از سوی والی و چه از سوی کسان دیگر.

حال بررسی کنیم که حسادت چیست و حسود کیست؟

تعریف مؤثر از حسادت این است که: «حسادت، دردی است نسبت به خوشبختی دیگران» و از منظر هیجان رفتار، غم و خشمی است نسبت به اهدافی که دیگران دست یافته‌اند و فرد حسود به آن دست نیافته است. حسادت گرایشی است از روی ناراحتی و غم نسبت به خوشی دیگران، ولو اینکه از رفاه آن شخص و خوشی او نکاهد. این بی‌میلی و اکراه نسبت به دیدن خوشی خود، که بسیار در سایه قرار گرفته است، نسبت به دیگران وابسته به آن است که به صورت متعارف، ما زندگی آسوده را چگونه برای خود، تعریف کرده باشیم و این بینش نه به دلیل ارزش ذاتی و درونی آن از خوشی خودمان است، بلکه به این دلیل است که با دیگران مقایسه‌اش می‌کنیم. جهت حسادت دست کم برحسب آرزوهای کسی است که با خراب کردن و درهم ریختن خوشبختی دیگران میسر می‌شود.

حسادت و حسودی درگیری است که فرد حسود برای خود و درون خود ایجاد کرده است. مدام در درونش جنگ و آشوب به پاست، سعی می کند نمایان نشود اما نگاهش و رفتارش همه چیز را بروز می دهد.

مدیری که تامین اجتماعی را اجتماعی تر کرد

ناصر بوهندی



در علم مدیریت چندین وظیفه برای مدیر یک سازمان تعیین شده و مدیری موفق است که برآیند همه وظایف را با تناسب خوبی انجام دهد.

هماهنگی، برنامه ریزی، ارتباطات، تصمیم گیری از جمله مهمترین شاخص های یک مدیر به شمار می آید.

اما برخی از مدیران با ویژگی های ابتکاری و ویژه ای، فراتر از وظایف مشخص شده عمل می کنند و سازمان را به برند و جایگاه خاصی می رسانند.

یونس خسروانی در مدت دو سال و اندی که در سازمان تامین اجتماعی استان بوشهر بود که در مدیریت این دوره کوتاه می باشد و برای برنامه ریزی و اجرای برنامه ها فرصت کافی نیست اما با خلاقیت و نوآوری توانست فراتر از انتظار ظاهر شود.

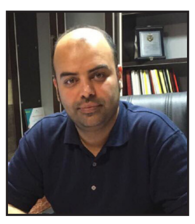
مدیری که توانست علاوه بر بهبود شاخص های سازمان و افزایش درآمد آن با پیگیری مستمر مطالبات از شرکت های پر قدرت در عسلویه، تا چینش مدیران جوان و متخصص در بدنه اصلی و مدیریتی سازمان و ایجاد یک سازمان چابک و پر تحرک، اما مهمترین شاخص مدیریتی وی ارتباط تنگاتنگ با مردم و احاطه خوبی به مشکلات و مسائل مربوط به اقشار مختلف کارگران بود.

وی با سفرهای متناوب و متعدد به شهرستان های مختلف و دیدار رو در رو و چهره به چهره با کارفرمایان و کارگران و شرکت در محافل صنفی کارگری تصویر واقعی و بی واسطه ای از مسائل سازمان خود دست پیدا کرد.

به همین دلیل برنامه احداث مجتمع های رفاهی، ایجاد درمانگاه های تامین اجتماعی در تمام شهرستانها سرعت بالاتری پیدا کرد، نقشه فقر و طرح افزایش عدالت اجتماعی در شهرستانها به ریز و با برنامه های عملیاتی تهیه شد و در صورت ادامه کار این مدیر می توانست خدمات بالاتری از سوی سازمان تامین اجتماعی نصیب مردم استان بوشهر گردد.

مدیریت به مثابه یک سیستم پویا

بابک شاکر



سال ۱۳۹۴ فرصتی دست داد تا به عنوان مدرس دوره ارتباطات مؤثر در سازمان تامین اجتماعی استان بوشهر به دعوت دکتر یونس خسروانی مدیر کل این سازمان حضور پیدا کنم و ساعاتی را در جمع ایشان و مدیران شعبات سازمان تامین اجتماعی باشم. این سرآغاز دوستی بنده با مدیری جوان، خوشفکر و دارای ایده شد. خسروانی را در آن روزها مدیری آگاه به حوزه فعالیت خود دیدم که اگر در سازمانهای ایرانی قرار به انتصاب مدیرانی شبیه او باشد می توان تحول و پویایی را به خوبی مشاهده



کرد.

او توانسته بود سازمان را نظام مند هدایت کند و پدیده ی مدیریت را به صورت یک سیستم پیش ببرد، وقتی مدیریت به صورت یک سیستم در سازمان اداره شود، ورودی های مناسب به خروجی های مناسبی منتج می شود و آنگاه می توان شاهد بالا رفتن شاخص های عملکردی آن مدیریت بود.

در واقع مدیرانی قائل به رهبری در سازمان هستند که معماری مناسبی را در پدیده ی مدیریت ایجاد کنند این بدان معناست که خسروانی با هوشمندی توانسته بود بنای یک سازمان فرآیندگرا را بگذارد که در آن عملکردها دیده می شد و به تبع ارائه خدمات و ارتقاء کیفیت در عملکرد، سازمانی چابک و تعالی محور را شاهد بودیم.

پدیده ای که معمولاً به علت ساختار توتالیتر حاکم بر سازمانها در ایران، معمولاً به ساختاری انحصارطلبانه و فردمحور می رسد. ایشان توانسته بود همه عناصر سازمانی را زنجیره وار بهم پیوند دهد زیرا او رهبری مناسب جهت تحقق اهداف سازمانی خود بود.

مدیریت او انگیزشی و توأمان با روابط مناسب برون سازمانی بود. ایشان با استفاده از تمامی ظرفیت های سازمانی بهبود مستمر ایجاد می نمود. بومی بودن و شناخت به جغرافیا و ظرفیت های اقلیمی و بومی استان باعث شده بود تا همه توان سازمان متبوعش را در حوزه بیمه و تامین اجتماعی بکار گیرد.

متأسفانه اینگونه مدیران خوشفکر و روشنفکر، توسط سازمانهای غیررسمی درون سیستم که خواهان میل به سمت اهدافی مشخص هستند تحمل نمی شوند. در چنین شرایطی مدیران باهوش می توانند سازمانهای غیررسمی را نیز به سمت اهداف سازمانی هدایت کنند، اما زمانی که این سازمانها منافع مشترکی با منافع سازمانی ندارند قابل مهار نیستند و در خارج از سازمان به سمت قدرت های برون سازمانی پیش می روند تا به عنوان مانع در حرکت روان سازمان قرار بگیرند ...

بیهقی می گوید: "و سخت عجب است کار گروهی از فرزندان آدم (ع) که یکدیگر را بر خیره می کشند و می خورند از بهر حطام عاریت را و آن گاه خود می گذارند و می روند تنها به زیر زمین با و بال"

خسروانی نیز از این حذف بی نصیب نماند و مجال تحقق استراتژی های مدون شده اش را ندادند تا این بار نخبه ایی از مدیران استان راهی تهران شود و در ستاد مشاور پارلمانی و حقوقی شود... در این تغییر عوامل سقوط شاخص های توسعه استان و ضدمنافع مردم نقشی اساسی داشتند زیرا وجود مدیران توانمند خلاء تفکر و مدیریت در عملکرد آنها را برجسته می کند... آنان که به خیال خود با نعل وارونه کوبیدن چشمان آگاه جامعه را از مسیر حرکتشان دور کرده اند. به هر صورت دکتر یونس خسروانی از استان بوشهر رفت... برای او هر جا که هست آرزوی موفقیت می کنم زیرا عداوت و حذف از سوی این گروه ها امتیازی بلند است....

گفت حق که کژ مجنبان گوش و دَم
ینفعنّ الصادقین صدقُهم...

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۸۷۷ یکشنبه ٦ آبان ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

دانشگاه های بوشهر و آلمان همکاری پژوهشی می کنند

مدیر امور پژوهش دانشگاه خلیج فارس بوشهر گفت: این دانشگاه در زمینه تداوم پذیری انرژی و محیط زیست در ایران با دانشگاه اشتوتگارت آلمان همکاری پژوهشی می کند.

به گزارش ایرنا، روح الله فاتحی در گفت وگو با خبرنگاران افزود: در این زمینه نشست‌هایی از ۲۱ تا ۲۳ مهر با حضور استادان و پژوهشگرانی از انیستیتو اقتصاد انرژی و کاربرد منطقی انرژی دانشگاه اشتوتگارت آلمان و دانشکده مهندسی انرژی دانشگاه صنعتی شریف و جمع دیگری از متخصصان صنعت و دانشگاه در دانشگاه خلیج فارس بوشهر برگزار شد.

وی بیان کرد: این نشست ها آغازی بر همکاری مشترک بین دانشگاه های خلیج فارس و دانشگاه اشتوتگارت آلمان در اجرای طرح «نوآوری‌هایی برای آینده تداوم پذیر انرژی در ایران» با حمایت وزارت فدرال آموزش و پژوهش آلمان است.

فاتحی ادامه داد: در این طرح که شامل هفت محور حمل و نقل الکتریکی، صنعت، انرژی تجدیدپذیر، جزیره سبز، شهر تداوم‌پذیر، اقتصاد و شبکه انرژی ایران است، دانشگاه خلیج فارس بوشهر به عنوان همکار علمی حضور دارد.

فاتحی ادامه داد: این همکاری با انعقاد تفاهم نامه بین مرکز پژوهش نفت و گاز دانشگاه خلیج فارس و انیستیتو اقتصاد انرژی و کاربرد منطقی انرژی دانشگاه اشتوتگارت آلمان آغاز شده است.

وی افزود: تبادل دانشجو و استاد و برگزاری نشست های تخصصی با موضوع های متناسب با نیاز استان بوشهر از جمله موراد گنجانده شده در این تفاهم نامه است.

دانشگاه خلیج فارس با حدود هفت هزار دانشجو در ۲۹ رشته کارشناسی، ۴۸ رشته کارشناسی ارشد و ۱۳ رشته دکترا، جهت گیری خود را در حوزه کار آفرینی قرار داده و این دانشگاه از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان پایلوت دانشگاه کار آفرین انتخاب شده است.

در لزوم پاسخگویی به افکار عمومی

خلیل موحد



در ساختارهای سیاسی دمکراتیک و برای جلوگیری از انباشت قدرت در دست یک تن و پیشگیری از نتایج ویرانگر یکه تازی فردی، سامانه ای با عنوان تفکیک قوا طراحی شده که گرچه در کادر حکمرانی خوب و در کنشی دمکراتیک هم پوشانی هایی دارند؛ اما هر کدام خاصه ها و مسئولیت های ویژه و تعریف شده ای دارند که در باب آن باید در برابر همه ی مردم و نیز نهادهای حقوقی مندرج در قانون اساسی پاسخگو باشند.

ساختار سیاسی ایران گرچه ساختاری دمکراتیک نیست، ولی در قانون اساسی آن بر اساس مدل های غربی، سه قوه ی مجریه، مقننه و قضاییه وجود دارد. ارتباط قوه ی مقننه و قوه مجریه – که موضوع این یادداشت است– اما چگونه شکل می گیرد.

بر اساس قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی دارای وظایف متعدد است که وظایف کلان آن شامل وضع و تصویب قانون، نظارت بر عملکرد قوه مجریه، پرسش از رئیس جمهور و وزرا و استیضاح و رأی اعتماد و یا رأی عدم اعتماد به آن ها، و حق اظهارنظر و تحقیق و تفحص در همه مسائل کشور، داخلی و خارجی، کشوری و لشکری می شود. با توجه به این اختیارات و به تصریح قانون اساسی، اعضا و یا نمایندگان مجلس در برابر همه ملت مسئول اند و فقط باید پاسخگوی مردم باشند.

این که اعضا و یا نمایندگان مجلس به عنوان یک شخصیت حقوقی، چه میزان به مسئولیت های قانونی خود در پیشگاه ملت رفتار کرده اند، البته موضوعی است که به شدت استعداد تامل و پژوهش دارد و در باب آن می توان سخن داد.

مجلس با وجود اختیارات گسترده – که البته شورای نگهبان حاکمیت هر گاه اراده کرده بخش قانون گذاری آن را قفل و از اعتبار ساقط کرده است – اما هم طبق مواد قانون اساسی و هم از منظر قوانین عادی نوشته شده، جز در مورد وزیران کابینه، حق دخالت دست کم آمرانه در گماردن و یا برداشتن هیچ یک از وابستگان به قوه ی مجریه را ندارد. این نامداخله گری درباره ی بود و نبود منصبی مقامات کلان و خرد استانی و لایه های پایین تر مدیریتی نیز صادق است.

برای نمونه، واگذاری پست ریاست سازمان ها و یا ادارات کل استان به افراد، بر اساس قانون به عهده ی وزیر و یا ریاست کل نهاد مربوط و با موافقت و یا پیشنهاد استاندار انجام می شود و هیچ شخص حقوقی و از جمله اعضای مجلس و نیز اشخاص حقیقی در این خصوص مسئولیت مولوی و آمرانه ندارند. گرچه همه ی مردم و به ویژه احزاب سیاسی و دیگر نهادهای مدنی مرتبط و نیز نمایندگان مجلس می توانند فرد و یا افراد پاکدست، شایسته، کاردان و دارای کارنامه ی قبولی را به مسئولان بالادستی معرفی کنند. دخالت تهدیدآمیز اعضای مجلس در انتخاب شهرداران نیز حیثیت قانونی ندارد. اعضای شورای شهر یگانه مرجع برای انتخاب شهردار هر شهر می باشند.

قوانین نانوشته و آن چه در رفتار شاید بسیاری از اعضا و یا نمایندگان مجلس اما نمودی چشمگیر دارد، کنشگری گاه سفت و سخت این دسته از صاحب منصبان در پست دهی و یا پست گیری مدیران استانی و محلی است. برخی که ورود خود به مجلس را وامدار عناصر و یاران بانفوذ اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی خود می دانند گاه می کوشند حتی بدون سبک و سنگین کردن توانمندی آن کسان، برای شأن جاه و مقامی دست و پا کنند. از دگر سو تلاش برای بیرون کردن برخی مدیران از عرصه ی قدرت، گاه ممکن است معطوف به سر خم نکردن آن مدیران در برابر مطالبات ناعادلانه ی شخصی و نامربوط به خیر عمومی و یا مولود حسادت و رقابت



فردی و گروهی باشد. در لیست ایرادها و اعتراض هایی که بسیاری از مجلسی های استیضاح کننده به وزیران وارد می کنند، ردیف نصب و عزل مدیران، معمولا جای ثابتی دارد و مردمان فراوانی به این باورند که اصل و بنیاد دعوای جماعتی از اعضای مجلس با وزیران، نه الزاما ریشه در دلشورگی نسبت به منافع ملی و حقوق انسانی و شهروندی ملت داشته؛ بلکه بیش تر محصول نبرد قدرت می باشد! نبردی که پیروزی و شکست میان وزرا و استیضاح کنندگان رد و بدل می شود.

یک پندار نیک نیز وجود دارد و آن احساس شریف مسئولیت میهنی، مردمی و اقلیمی است که خود را در صورت بندی نصب و عزل مدیران نشان می دهد و البته این رویکرد، به نمایندگان ملی، پاکدست، عدالت جو و هواداران حقوق خلق اختصاص دارد. گرچه همان گونه که یاد شد اعضا و یا نمایندگان مجلس از دیدگاه قانون حق دخالت تحکم آمیز در نصب و عزل مدیران ندارند. آن ها فقط می توانند با عرضه ی دلایل مستدل و مستند، در این باره پیشنهاد دهند. نظارت بر عملکرد کارگزاران قوه ی مجریه البته بخش تعطیل ناپذیر اختیارات اهالی مجلس است.

درباره ی برکناری دو تن ار مدیران هم استانی؛ یعنی، یونس خسروانی رئیس سازمان تامین اجتماعی استان و حسین دلشب مدیرکل محیط زیست استان از سمت خود و واگذاری این سمت ها به افرادی هم میهن اما غیر هم استانی، این گمانه زنی گسترده وجود دارد که برخی از اعضای استان در مجلس در این آمد و شدهای مدیریتی نقش کلیدی داشته اند. در حالی که چنین می نماید که پنداشت و ارزیابی غالب این است که خسروانی و دلشب از سنخ مدیران کاربلد بوده و در کادر اختیارات سازمانی و ظرفیت ذهنی خود، در مسیر خدمت رسانی به مردم و بالندگی استان گام برداشته اند.

نکته مهم دیگر، حق افکار عمومی استان و به ویژه کنشگران اجتماعی و سیاسی این دیار در دانستن راز و رمز این فراز و فرودهای مدیریتی است. کسانی که خود را نماینده مردم استان می دانند باید صادقانه در این باب توضیح دهند. استاندار بوشهر نیز که در قامت عالی ترین مقام حکومتی استان ناظر و تأییدکننده این رفت و آمدهای اداری بوده است باید به عنوان نماینده دولت موسوم به دولت تدبیر و امید پاسخگوی افکار عمومی استان باشد.

سردرگمی احساسات

علی اصغر فیروزجائیان

به نظر ابراز احساسات هم یادگرفتنی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود... در جامعه سنتی بیشتر ابراز احساسات درونی و پنهانی است. یعنی صرفا برای خود ماست نه برای دیگران. افراد بخاطر خودشان دیگران را دوست دارند و نگران آنها هستند که این موجب کنشهای خودخواهانه در عشق ورزی می شود. ازدواجهای اجباری یا اسیدپاشی در همین راستا معنی می شود.

گذشتگان همواره نگران خوشبختی فرزندان بوده اند اما دریغ از اینکه از فرزندان معنای خوشبختی را بپرسند. بچه ها نگران مشکلات والدین هستند اما یکبار هم نشده که به کمکشان بروند یا دست از زیاده خواهی شان بردارند... والدین فقط در سنین کودکی بچه ها را می بوسند و در بزرگ سالی مثل نامحرمان با آنان رفتار می کنند... باید یاد گرفت که دوست داشتن را آشکارا و با فریاد ابراز کرد. وقتی نسل گذشته مقوله احساس را تابو کرده این وظیفه نسل جدید هست برای خوشبختی و آرامش خود و اطرافیانش تابوشکنی کند و ساختارهای محدود کننده رابطه ناب را به کنار نهد...

به این می گویند خشونت نسلی. وقتی بچه ها در سنین کودکی دوست داشتن را تجربه کنند دیگر لازم نیست در سنین بزرگسالی در رابطه خود با دیگران دست به آزمون و خطا بزنند. جامعه سنتی با پنهان کردن مقوله عشق ورزی عملاً تجربه گری دوست داشتن را زیرزمینی می کند و این موجب عقده شدن تجربه دوست داشتن می شود.

جوانان برآمده از تربیت جامعه سنتی با نوعی سردرگمی در دوست داشتن روبرو هستند. اینان با خارج شدن از محدوده خانواده در حال آزمون و خطای دائمی دوست داشتن با غریبه ها هستند. وقتی عشق ورزی درون خانواده در سنین پایین تجربه نشود عقده گشایی بیان احساسات در خارج از خانه تا سنین نامشخص ادامه خواهد یافت...

در این وضعیت هیچوقت آرامش و رضایت درونی حاصل نخواهد شد و افراد در باتلاق سردرگمی احساسات غرق می شوند...



مسافر فوتبال (٤)

مقدمات رفتن به مشهد و تیم ابومسلم

خاطرات محمود ابراهیم زاده ملی پوش فوتبال بوشهر

مسیح گفته بود که امروز ساعت ۹ صبح باید دانشگاه باشیم، ساعت ۷ صبح مادرش از پشت در اطاق ما را صدا کرد و گفت مسیح جان صبحونه آماده است زودتر بخورید چون باید برید دانشگاه، مسیح همینجور که دو تا دستاش باز کرده بود و خمیازه بلندی می کشید منو صدا کرد، ولک بیداری؟ پاشو باید زودتر بریم، فوراً از جا بلند شدم و پتو را چارتا کردم و تشک پنبه ای که زیرم بود سه لا تاش کردم و بالشم و پتو هم گذاشتم روش و باهم بلندشون کردم گذاشتم گوشه دیوار، و رفتم دست و صورتم شستمو و از بغل سفره پارچه ای قلمکاری که با نون داغ بربری و دو تا ظرف چینی کوچولو که تو یکیش کره و یکی دیگش مربا بود گذاشتم که برم تو اطاق تا مسیح بیاد با هم بشینیم سر سفره، که یهو مادرش از اون اطاق با یه سینی سفید نقره ای قدیمی که دوتا استکان چای داغ توش بود، وارد هال شد و سلام و صبح بخیر گفت و طبق معمول تعارف و بفرمایید سر سفره اینم چای شیرین، شما شروع کنید مسیح هم الان میادش.

مسیح اومد و صبحونه را خوردیم، لباسمون پوشیدیم و همین که خواستیم از در خارج بشیم، مادرش با یه قرآن که تو دستش بود اومد بطرف ما و گفت صبر کنید، خودش وایساد سمت راست درب خروجی و دوتا گوشه چادر مشکی که بر سر داشت تو لای دندونش گرفت قرآن را بالا گرفت که ما از زیرش رد بشیم.

منم کمی سرم پایین کردم و رد شدم و مسیح هم پشت سر من اومد ولی اون مجبور بود خودشو جمع و جور و دولا کنه که بتونه از زیر قرآن رد بشه، مادر هم دعایی کرد و گفت خدا نگهدارتون باشه و قبول بشین اینشالله،

راه افتادیم و سوار پیکانش شدیم و زدیم بخیابون، رسیدیم به خیابون شاهرضا و بعد از چند کیلومتر که رفتیم جلو درب بزرگ و میله ای دانشگاه تهران ترمز کرد و با یه نگاهی که به دو تا ماموران دم درب وایساده بودند انداخت، و تُن صداش کمی بلند کرد و گفت میتونم ماشینو ببرم توی دانشگاه؟ اون دوتا مامور متوجه شدند ولی خودشون را زدن به کوچه علی چپ، مسیح از ماشین پیاده شد رفت بطرفشون و تا رسید بهشون یکیشون اونو شناخت و ذوق زده شد، با خوشحالی می گفت اختیار داری آقا مسیح، جون بخواه، به اون یکی مأمور گفت ممد آقا اون لنگه در و باز کن آقا مسیح سرور پرسپولیسه، درب دانشگاه را باز کرد تا مسیح ماشین آورد داخل محوطه دانشگاه، همون مأمور با دست به مسیح اشاره کرد و گفت بیا این پشت اطاقک کوچیک نگهبانی اون گوشه پارک کن که حواسم بهش باشه، کلیدشم بده پیشم باشه که اگر لازم بود، جابجاش کنیم.

سویچ ماشینو بهش داد و رفتیم به اون ساختمانی که باید اسم می نوشتیم، با یکی دوتا خیابون چپو راست رفتن رسیدیم به ساختمان که دم درش شلوغ بود از افرادی که اومده بودن برای امتحان کنکور، مسیح راه و چا را بلد بود و از وسط شلوغی جمعیت زد و رفت وارد ساختمان شد منم پشت سرش تند و تند رفتم توی ساختمان، یکی از پرسنل دانشگاه که لیست اسامی شرکت کنندگان را که در چند برگه بهم منگنه شده روی میز جلوش بود، سرشو بالا کرد و از زیر عینک زربینش یه نگاه بما انداخت و اسممون پرسید، با یه خط کش پلاستیکی کوچکی که تو دست چپش بود، گذاشت رو لیست اسامی و خط بخط رفت تا رسید به اسم من، خطکش را زیر اسمم نگه داشت و با مداد رنگ قرمزی که تو دست راستش بود یه خط نازک کشید و بغل اسمم یه علامت به اضافه گذاشت و یه دایره هم دورش کشید. و همین جور که با دستش درب ورودی جلسه امتحان را به من نشون می داد.

یهو چشمش افتاد به مسیح نیا و با کمی مکث گفت برو اونجا و از مسیح اسمشو سؤال کرد، تا شنید مسیح نیا، ذوق زده شد و از رو صندلیش بلند شد و بدون اینکه لیستش نگاه کنه خودش بردش دم درب ورودی و معرفیش کرد به اون آقایونی که مسئول جلسه امتحان بودند، گفت یه مداد و پاک کن با خودتون دارید؟ گفتیم اره، و رفتیم تو سالن جلسه امتحان صندلیهامون از همدیگه دور بود و صندلی من اینور سالن بود و مسیح با خیلی فاصله و سمت چپ سالن بود، دو سه ساعت بر من گذشت و یک عالمه سؤالاتی که شاید از ۴۰ پنجاتا سؤال، ۱۰تاش هم نتونستم جواب بدم، سالن یواش یواش داشت خالی می شد، منم بیشتر داشتم رفت و آمدها را نگاه می کردم و منتظر بودم که مسئولین جلسه امتحان خودشون بیان بگن وقت تمومه، مسیح را دیدم داره از اون جلو سالن به طرف درب خروجی میره، فورا بلند شدم و منم کارم تموم کردمو و رفتم دنبالش.

بهش رسیدم و گفت اومدی؟ چطور بود؟ کاری کردی؟

جواب دادم چشمم آب نمی خوره و گفت اشکال نداره شاید درست بشه، رفتیم سراغ ماشین، اون مأمور درب ورودی به محض اینکه مارو دید فوراً اومد جلو و یه دونه مجله جوانان تو دستش بود با یه خودکار داد به مسیح و خواست روی عکس نیم تنه ای که از مسیح روی جلد بود براش امضاش کنه، بعد از اینکه امضا شد باز گفت آقا مسیح میشه اون بالاش بنویسی تقدیم به آقا مهدی؟

مسیح نوشت و سویچ ماشین ازش گرفت اونم درو باز کرد و با خوشحالی بلند بلند می گفت خداحافظ آقا مسیح، از اونجا که حرکت کردیم، رفتیم به طرف راه آهن، در بین راه مسیح رو کرد به من و گفت جریان کار از این قراره:

آقای حشمت مهاجرانی و برادرش، مسعودخان که تهران زندگی می کنه، ازم خواستند که برم مشهد و تیم ابومسلم را سر و همش کنم که تیم خوبی تو لیگ تخت جمشید داشته باشند، من سعی می کنم برم مشهد و تو همین جا خونه ما می مونی تا من برگردم، و من برسم مشهد باهاشون صحبت می کنم و اگر اونی بشه که می خوام، در مورد تو هم صحبت می کنم، خب، تو برای قرارداد، چی می خواهی که من ازشون بخوام.

گفتم اول دانشگاه، دوم یه اطاق و سوم مخارج ثبت نام سالیانه دانشگاه، و چهارم حقوق ماهیانه، وسط حرف زدنمون بود که رسیدیم دم ایستگاه راه آهن، ماشینو خاموش کرد و به من گفت تو اینجا تو ماشین بشین من برم یه بلیط قطار بگیرم و برگردم، رفت بلیطش گرفت و اومد، ازش پرسیدم کی میری؟ گفت قرار بود فردا برم ولی اون آقایی که بلیط می فروخت منو شناخت و گفت اگر بتونم امشب برم، یه بلیط قطار توربو سریع السیر که ۷ ساعته میرسه مشهد برام درست می کنه، منم همونو گرفتم، فکر کنم بهتره. زودتر سر و سامون بگیریم، ماشینو روشن کرد و حرکت کردیم به طرف خونه شون. تو مسیر که داشتیم بر می گشتیم، رفتیم دم دفتر هواپیمایی لوفت هانزا، ژانت را دید و کمی خوش و بش کردند و باهاش قرار گذاشت که امشب مسیح را برسونه دم ایستگاه راه آهن.

از اونجا دیگه مستقیم رفتیم به طرف خونه، رسیدیم سر کوچه شون و ماشینش پارک کرد کنار دیوار، و رفتیم یه سر به اوستا جواد بزنیم.

طبق معمول او مشغول اره کردن بود که ما وارد نجاری شدیم، یه دونه تخته عریض و بزرگی را زیر تیغ اره داشت فقط همینجور که سرش زیر بود سلامی داد و به کارش ادامه داد، ما هم منتظر وایسادیم تا کارش تموم شد و از مسیح خواست که اون سر تخته را کمکش بگیره، با هم از زیر تیغ ورش داشتن و دوتایی بردن ته کارگاه و تکیه اش دادن به دیوار، و برگشتن دم میز تیغ اره، مسیح جریان رفتن به مشهد را براش تعریف کرد و بهش گفت چند روزی که اون مشهد هست و من اینجا تنها هستم، روزا بیام پیش اون که سرم گرم باشه تا اون برگرده، اوستا جواد استقبال کرد و یه دست زد پشت شونه ام و گفت دمت گرم و با خنده رو به مسیح کرد و گفت، تو برو مشهد و بی خیال آقا محمود، خودم می برمش پرسپولیس.

خداحافظی کردیم و رفتیم خونه، مادر مسیح دیگه مادر منم شده بود و به احترام؛ مادر صداش می کردم. زنگ زدیم درو باز کرد؛ تا ماها رو دید پرسید؛ خوش خبر باشید بچه ها، امتحانتون خوب شد؟

من سرم به علامت تأیید تکون دادم و گفتم بله مادر، اونم خوشحال شد و یه خدا رو شکر گفت و گفت تا من سفره رو می چینم؛ شما زود دست و صورت تونو بشورید، امروز برای محمود آقا زرشک پلو با مرغ پختم، محمود آقا دوست داری؟

جواب دادم بله خیلی ممنون راضی به زحمت شما نبودم، مادر سفره رو چید و دیس چینی سفید پر از زرشک پلو با مرغ را آورد سر سفره گذاشت، بوی عطر زعفرون و زرشک با بخار گرم پلو تو فضای کوچیک هال پیچده بود، لباسمونو عوض کردیم و شلوار گرمو پوشیدیم و با مسیح نشستیم سر سفره و غذا را خیلی سریع خوردیم، دوتایی کمک کردیم و سفره و ظرفا را جمع کردیم و رفتیم تو اون اطاق همیشگی بالش ها را برداشتیم و هر کدام یه طرف اطاق دراز کشیدیم، بعد از چند دقیقه مسیح از جاش بلند شد و رفت پیش مادرش و بعد از کمی صحبت کردن اومد تو اطاق و از توی کمد دیواری بلندی که گوشه اطاقش بود یه ساک ورزشی بزرگ بیرون آورد و چند تا پیراهن و شلوار و وسایل لازمه سفرش را تو اون ساک جا داد و برگشت سر جاش و دراز کشید و از مادر خواست که ساعت ۴ بیدارش کنه.

هنوز چند دقیقه ای به ساعت چهار مانده بود که مادر از پشت در اطاق صدا کرد و گفت براتون چای آوردم، فوراً مسیح رفت و سینی چای را گرفت و نشستیم و خوردیم، کمی دیرتر ژانت در خونه مسیح را زد، مسیح هم فوراً شلوار لی آبی رنگی که داشت پوشید و با منو مادر خداحافظی کرد و با ژانت رفتن به ایستگاه راه آهن.

بعد از اینکه مسیح رفت، مادر اومد پیش من نشست و شروع کردیم به صحبت و تعریف از بوشهر تا تهران و بانک ملی و دانشگاه و تا همون ساعت، همه چیز رو تا جایی که می شد؛ براش تعریف کردم.

خیلی حرفها زدیم؛ مادر از پسرش برام تعریف کرد که کوچکتر از مسیح بود و نامش مجید، که در سن نوجوانی به چه صورت گم شده و از بین رفته بود، و با بغضی که در گلو داشت، هر از گاهی اشکی هم از چشمهاش سرازیر می شد و مرتب می گفت آقا محمود من هر لحظه بیادش هستم و هر کی در خونه را می زنه فکر می کنم مجیده!

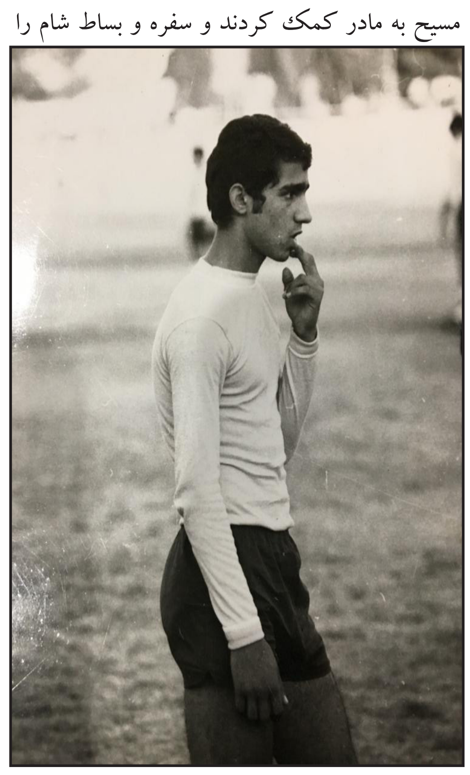
خیلی براش ناراحت شده بودم و از اینکه نمی تونستم براش کاری انجام بدم، بیشتر خجالت می کشیدم، و مرتب بهم می گفت تو برام مثل مجیدی، بلند شد و گفت برم برات یه چای تازه دم کنم بخوری، می بخشی اگر ناراحتت کردم.

و رفت تو آشپزخونه، دم دمای غروب شده بود، صدای بلند اذان مغرب هم از بلندگوهای مسجدی تو همون نزدیکی ها بگوش می رسید، یه لحظه کلید تو حلقه سوراخ قفل در ورودی ساختمان چرخید، برادر بزرگتر مسیح بود، در کمتر از ۱۰ دقیقه بقیه برادران و دو تا خواهراشون هم اومدن خونه، مادر از تو اون اطاق بهشون گفته بود که مسیح نیست من اینجا تنها هستم و اونا هم مرتب به من سر میزدن و کمی خوش و بش می کردن تا اینکه پدر مسیح هم از در وارد شد، سر ضرب اومد به طرف اطاقی که من توش نشسته بودم، بعد از سلام و احوالپرسی و خوش و بش، سراغ مسیح گرفت، گفتم برای انجام کارمون رفته مشهد.

گفت آها! پس امشب محمود آقا با من میاد خانقاه!

منم گفت باشه حتما باهاتون میام.

مادر صداش کرد که بره تو اون اطاق و خواهرای مسیح به مادر کمک کردند و سفره و بساط شام را



آماده کردن و اون شب همگی سر یه سفره نشستیم. با خوش و بش و حرف زدن ها وشام خوردنمون طولانی تر از معمول شد.

شام که تموم شد هر کی رفت سراغ کار خودش و من تو اطاق مسیح نشسته بودم و روزنامه ورزشی می خوندم، و مرتب هر عکسی از بازیکنان تو روزنامه می دیدم، به فکر می افتادم که آیا منم می تونم یه روز عکس خودمو تو این روزنامه ببینم؟

و آرزو داشتم زودتر فردا می شد که مسیح برام خبر خوب داشته باشه.

اون شب دو بار تمام برگهای روزنامه رو پشت و رو خوندم، چشام خسته شده بود ولی دلم نمی خواست بخوابم؛ مرتب به فردا فکر می کردم و در انتظار خبر خوشی از مشهد بودم!

که پدر از پشت در اطاق منو صدا کرد و گفت می خوام برات استخاره بکنم؟

و اومد تو اطاق پیشم نشست، ازم خواست که نیت کنم، کتابشو باز کرد و برام خوند و با یک ذوق و خوشحالی گفت خیلی خوبه آقا محمود، تو مسافر مشهدی،،،،،،،،،،،،،!

مادر مسیح از توی هال پدر رو صدا کرد و گفت محمود آقا خسته است، بذار بخوابه؛ شما خودت برو خانقاه؛ یه وقت دیرت نشه!

پدر همینجور که با لبخند پدرانه به من نگاه می کرد، گفت بله خانم می دونم، اما می خوام محمود آقا رو با خودم ببرم!

با اینکه خیلی دلم می خواست باهاش برم خانقاه ولی اینقدر فکرم مشغول جریان فوتبال پرسپولیس و ابومسلم شده بود، که نمی تونستم به خانقاه و هیچ برنامه ی دیگه ای فکر کنم، تخیلات و تجسمات ذهنی فوتبال تمام وقت و مغزم رو خورده بود، فقط چشم انتظار خبری از مسیح بودم، که مادر مسیح به دادم رسید؛ شنیدم به پدر مسیح داره میگه، طفلک خسته هست، بذار بخوابه، اونم قانع شد و فقط اومد تو اطاق و گفت آقا محمود امشب تنهایی میرم خانقاه و تو استراحت بکن و اینشالله یه شب دیگه با هم میریم و دستش کرد تو جیب کت مشکی که به تن داشت و یه قوطی کبریت درآورد و از من خواست که روش امضا کنم، می گفت می دونم فوتبالیست خوبی میشی، پس اولین امضات مال من.

منم با خجالت و خوشحالی امضا کردم، با دست چپش ازم گرفت و کمی نگاهش کرد و در حالی که داشت میذاشتش تو جیبش با دست راستش زد پشت شونه من و گفت یا علی، علی یار و یاورت باشه پسرم و خداحافظی کرد و رفت.

منم رختخوابمو از گوشه دیوار برداشتمو آوردم تو وسط اطاق انداختم و رفتم زیر پتو و سعی کردم بخوابم و شب رو به امید فردایی خوب و خوش به صبح برسونم، از فرط خستگی فکری فورا بخواب رفتم؛ نمی دونم چند ساعت خوابیده بودم که کم کم صداهایی را تو گوشم احساس کردم، غلتی رو دنده راستم زدم و ساعتمو نگاه کردم، ساعت ۵/۵ بود که با جنب و جوش و رفت و آمد از اطاق به اطاق و دستشویی و آشپزخونه و صدای برخورد استکان و نعلبکی و قاشق چایخوری و زمزمه یواش یواش خواهرا و برادرای مسیح که همگی آماده رفتن به سر کارشون بودند، از خواب بیدار شدم ولی همونجور سر جام دراز کشیده بودم تا اینکه همه شون رفتن سرکار و مدرسه شون، من نمی خواستم از اطاق برم بیرون و مزاحمشون باشم، کمی خجالت می کشیدم، به فکر افتادم که اگر مسیح در مشهد خواست بیشتر از یکی دو روز بمونه، بهتره که من برم هتلی بگیرم، ولی حتما باید عذری موجه داشته باشم که بی حرمتی نشده باشه.

از جام بلند شدم و رفتم دستشویی و به مادر سلام و صبح بخیری گفتم و اونم فوراً گفت محمود آقا الان براتون صبحونه آماده می کنم و رفت تو آشپزخونه و با سفره و نون بربری و مخلفات برگشت تو هال. همه چیزو چید تو سفره و به من تعارف کرد و گفت بفرمایید!

بعد خودش رفت تو آشپزخونه و با همون سینی نقره ای و استکان چای برگشت و گفت محمود آقا نون سنگک هم داریم میخوای براتون گرم کنم؟

گفتم نه خیلی ممنون همین بربری می خورم مرسی. صبحانه که تموم شد خودم کمکش کردم و سفره رو جمع و جور کردم و بردم گذاشتم تو آشپزخونه و برگشتم تو اطاق لباسمو پوشیدم که برم پیش اوستا جواد خودم رو سرگرم کنم، یهو مادر از اطاقش اومد بیرون سؤالم کرد کجا داری میری امروز؟ مگه جایی کاری داری؟ گفتم نه میرم دم نجاری سر کوچه!

آها! پس ظهر جایی نهار نخوری، امروز منوچهر داره کباب میاره برامون، حتما بیا خونه، گفتم چشم و خداحافظی کردم و رفتم بیرون.

به نجاری که رسیدم دیدم اوستا جواد رو میز اره نشسته و گرم پاک کردن یه رادیو کوچیک چهار موج بود که پر از گرد و خاک و تراشه های چوب شده بود. هی پاک می کرد و هر از گاهی میاوردش بالا نزدیک دهنش و فوت می کرد و همینجور که به من صب بخیر می گفت، صفحه جلو رادیو را وارونه گذاشت رو کف دست چپش و با دست راست دو تا محکم زد به پشت رادیو، خودش خندید و گفت محمود آقا رادیو من بچه بدی شده، دارم تنبیهش می کنم! اخه چی کارش کنم روشن میشه ولی نمی خونه! صداش در نمیاد، بی خیالش میندازم سطل اشغال یه دونه نوشو می خرم!

رادیو را گذاشت تو یه طاقچه کنار چند تا قوطی چسب چوب و یه برس رنگ که باهاش چسب به تخته هاش می مالید.

اومد و گفت محمود آقا بیا یه چایی بزنیم، زعفرون زدمش خیلی خوش طعمه، بشین داداش، یه کرسی چوبی کهنه رنگ و رو رفته از زیر میز کشید بیرون و با دستش خاک اره که روش نشسته بود پاک کرد و تعارف کرد محمود خیلی آقاییی، ولی حیف پرسپولیس نمیایی!!

نشستیم چای زدیمو از همه جا حرف زدیم، خیلی حرف زدیم ازش پرسیدم چرا امروز کار نمی کنی؟ جواب داد تیغ ارهه کند شده و امروز قراره مصطفی بیاد عوضش کنه یه نو بذاره جاش، طرفای ساعت ۱۱ بود که آقا مصطفی اومد و دوتایی شروع کردن به عوض کردن تیغ اره، منم رفتم دم در مغازه وایسادم و جنب و جوش و رفت و آمد توی خیابونو تماشا می کردم، یکساعتی دوتایی با ارهه ور رفتند تا تیغ اره نو رو جا انداختن. کم کم وقت نهار شده بود و من هنوز سرگرم تماشا بودم، که یهو دیدم آقا منوچهر یه سفره پارچه ای توی یه سینی تو دستاش هست و داره میره طرف خونه شون، حدس زدم نون و کبابیه که مادر گفته بود!

اوستا جواد هم که کاره اره اش تموم شده بود گفت محمود آقا من امروز نهار سفارش دادم یه دیزی آبگوشت بیارن بمون با هم بزنیم تو رگ!

گفتم ممنون من به مادر مسیح قول دادم نهار اونجا باشم، و همینجور که مشغول حرف زدن بودیم آقا منوچهر پیداش شد با دوتامون دست داد و چاق سلامتی کرد و با سرش به من اشاره کرد و گفت محمود آقا بریم نهار سرد میشه. اوستا جواد اینو که شنید دیگه اصرار نکرد؛ باهاش خداحافظی کردیم و رفتیم به طرف خونه، چند قدمی که رفتیم آقا منوچهر گفت راستی مسیح از مشهد تلفن زده دفتر من و خواسته بهت بگم که کارت رو درست کرده که با خودش ببرتت ابومسلم و حتما باید سریع بری بوشهر و رضایت نامه از باشگاه شاهین بیاری که بتونی قرارداد ببندی، برق از سرم پرید. عجب خبری! دیگه بهتر از این نمی شد!.

بعد ادامه داد که یه فتوکپی و اصل مدرک دیپلمت هم باید داشته باشی بخاطر دانشگاه، گفته یادت نره ها خیلی مهمه!

رسیدیم دم در خونه کلید از توجیبش درآورد و توی قفل یه نیم چرخ به راست چرخوند و در را باز کرد و رفتیم توی خونه، دیدم مادر سفره را انداخته و بوی کباب و نون داغ و ریحون و نعناع تو هال پیچیده بود و دو تا پارچ شیشه ای بلور بزرگ هم پر از دوغ و نعناع خشک دو طرف سفره گذاشته و به تعداد نفرات هم بشقاب و لیوان دور سفره به ترتیب خاصی چیده شده بود.

مادر همینطور که از درست شدن کارمون اظهار خوشحالی می کرد؛ تعارف کرد که برم سر سفره.

به من تبریک گفت؛ نشستیم سر سفره و شروع کردیم به خوردن، آقا محسن کاسه کوچولوی سفید گلداری که سماق و یه قاشق چایخوری توش بود برداشت و از اون طرف سفره دستشو دراز کرد و گفت محمود آقا سماق بزن به کبابت که خوشمزه تر بشه، کمی سماق پاشیدم رو کبابم و دادمش به آقا منوچهر و مشغول خوردن شدم، و در حین خوردن داشتم به رفتن به بوشهر و گرفتن رضایتنامه از باشگاه شاهین فکر می کردم، که مادر به آقا منوچهر گفت، مادر جون دوغ بریز تو لیوان محمود آقا، اونم پارچ را برداشت و با یه قاشق کمی هم زد و نعناع ها که مخلوط شد، ریخت تو لیوانم.

محسن آدم شوخ طبعی بود و همینجور سر سفره لطیفه تعریف می کرد، مادر از آقا منوچهر خواست که بعد از نهار منو با ماشین مسیح ببره ترمینال؛ همون جایی که اتوبوسها به شیراز و اصفهان و بوشهر می رفتن،

محسن پرید تو حرفش و گفت بی خیال ماشین؛ من محمود آقا را میذارم ترک دوچرخه ام و میبرمش تا میدون توپخونه، همشون زدن زیر خنده، خلاصه نهار خوردیم و همگی تند و تند سفره و ظرفا را جمع کردن و بردن تو آشپزخونه و مادر به من گفت که آماده بشم آقا منوچهر منو ببره.

فوراً ساکمو آوردم و زود وایسادم دم در که اون حاضر بشه، اومد و رفتیم تو میدون توپخونه و دفتر بلیط فروشی اتوبوسا رو پیدا کردیم؛ همون جا پیاده شدم و باهاش خداحافظی کردم و رفتم توی دفتر فروش بلیط.

یک میانبر پیرامون فوتبال دشتستان دریابار

حیدر عرفان

«زنیرو بود مرد را راستی»

سال ۱۳۴۰ آفتابی بود که پس از گذرانیدن زمان سه ساله ی دانشگاه به دشتستان – دهنه داری برازجان- بازگشتم.

در کنار کارانجامی (خدمت) در دبیرستان های شهری، رشته های ورزشی به ویژه پاتوپ (فوتبال) تلاش داشتم.

آقایان رضا ایمنی، احمد صیادی پس از سالها توقف دسته ی «توفان» با گشاده رویی و هزینه های از سوی خود، دسته ی «شاهین» را پایه گذاری کردند. در سال ۴۱ آقایان پایه گذار، هیئت فوتبال شهرستان را به من پیشنهاد کردند. با نگرش به همسویی و همگراهی در پیشنهاد دوستانه «شاهین» پذیرفتم. در روال همسویی دوسویه، سازمان تربیت بدنی شهرستان ابلاغ مرا صادر کرد. (۱۳۴۱).

در پس آن حکم سازمان تربیت بدنی کشوری از تهران نیز ابلاغ گردید(۱۳۴۲). تقدیرنامه سازمان نیز در پی گزارشهای خوش هم رسید. (۱۳۴۳). در راستای پیشتازی ها (مسابقه) ی همچشمی (رقابتی) میان دسته های نوپای چهارگانه (شاهین/تاج/کارگر/پاس) زیر دیده وری سازمان تربیت بدنی شهرستان و هیئت فوتبال برگزار می گردید. در این رهگذر نیکیاد «نعمت الله آرچین» کارمند خوشنام دخانیات شهرستان، دبیری هیئت را پذیرفته و در پرتو تلاشگری مشترک، بر پیشرفت ورزش بسی افزوده شد.

آقای رضا ایمنی- ورزشکار نامور- سه برادر دیگر



خوشرفتار با نامهای سروش، امرالله، هیبت الله را به ورزش فوتبال کشانیده بودند.

آقای سروش با نام خانوادگی مادری «اتابک زاده» و دو برادر کوچکتر «ایمنی» نام خانوادگی اشان بود. آقای سروش در سال چهارم دبیرستان فرخی و دو برادر کوچکتر در پایه ی پایین تر بودند.

چون که آقای اسفندیار (فتح الله) لقمانزاده کارمند بهداری، در کارهای اجتماعی جوانی تلاشگر بودند، از ایشان خواستم با «هیئت فوتبال» همکاری نماید.

سرآمد تلاشهای ورزشی و برگزاری پیشتازی های (مسابقه) ی درونی و برونی شهرستان، این بود که با گروههای استانی یا میهمانان آمده از تهران، اصفهان، اهواز، کازرون، دیدارها داشتیم. از درون استان نیز با گناوه، تنگستان- بندر بوشهر، سعدآباد، آبپخش، خارگ آبادریا، زن و وازن (رقابت) دوستانه پیوسته در کار بود.

این تکاپو با رهنمونی جناب آقای محمدباقر بوشهری ریاست مهرورز و سخندان دوستار ورزش و فرهنگ و نایب رییس سازمان تربیت بدنی شهرستان دشتستان پیوند داشت. همچنین همسویی جناب مهندس حبیب الله نگهبان آراسته و پیراسته ی نخل بالا، ریاست دبیرستان فرخی، با فراهم آوردن ابزار ورزشی- در سالهای گذشته ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۸ (خ) و بجا آوردن نماز نیمروز شش روزه ی هفتگی بر چراغ هدایت پرورش و آموزش، روشنایی افزوده، بخشیده بود.

من پیرو، دوستار و باوردار هر دو دلکش (نماز- ورزش) بوده ام.

در پی کناره گیری ۴ ساله از سمت های ریاست دبیرستان و هیئت فوتبال با ناچاری به استان خوزستان (شهر کوه نشین مسجد سلیمان) فرستاده شدم (۱۳۴۸) در پی آن هم به شهرک (هفتکِل= هفت سنگ) بیهنگام حکم گرفتم، این ابلاغ تبعیدگاه دوم را «بطحایی» رییس سفارشی و تازه آمده ی شهرستان مسجد سلیمان (برادر دکتر بطحایی معاون وزارتخانه و فراماسونر برگزیده ی فرخ رو پارسا بهایی اعدامی) صادره کرده بود.

از آن تاریخ ریاست هیئت به ستوان ربیعی خوزستانی- افسر شهربانی برازجان- واگذار گردید. چند ماهی که گذشت این سمت به ستوان موسا موسوی کنارتخته ای سپرده شد. گویا در همان سالهای پسین آقای لقمانزاده از تهران حکم سرپرستی باشگاه «شاهین» را بدست آورده بود.

نکته بایسته و گفتنی دیگر این که آقای عزیزالله صمیمی- ورزشکار برجسته ی بومی- به دشتستان آمدند. شکوه ورزش شهرستان به ویژه پاتوپ (فوتبال) بالا گرفت. از کوشش های شایسته ی ایشان در سمت مدیر فنی شهرستان، خاطره ها و (یادمان های) ماندگار دارم.

آن بزرگان را عزت زیاد باد!!!

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



ته لنجی در آستانه تعطیل؛

سونامی گرانی بی مهابا از راه می رسد

به گزارش روابط عمومی اتاق اصناف مرکز استان بوشهر، عباس نامدارزاده رئیس اتحادیه خواربار و لبنیات شهرستان بوشهر با توجه به محدودیت های اعمال شده بر سر راه ته لنجی، افزایش نرخ ارز و مبهم بودن وضعیت اقتصادی گفت: با اتفاقات رخ داده در بازار، بازار بوشهر در حال خالی شدن از کالاهای ته لنجی است.

وی با اشاره به محدودیت های ثبت سفارش کالا افزود: نوسانات نرخ ارز باعث شده که بیش از ۶ ماه کالایی وارد بازار نشود و انبارهای بوشهر نیز تا یک ماه آینده از کالا خالی می شود.

نامدارزاده ادامه داد: افت ارزش پول ملی نیز مزید بر علت شده که کالاهای خاص که تا ۶ ماه پیش اکثر خانواده ها می خریدند به خاطره های بوشهری ها بپیوندند.

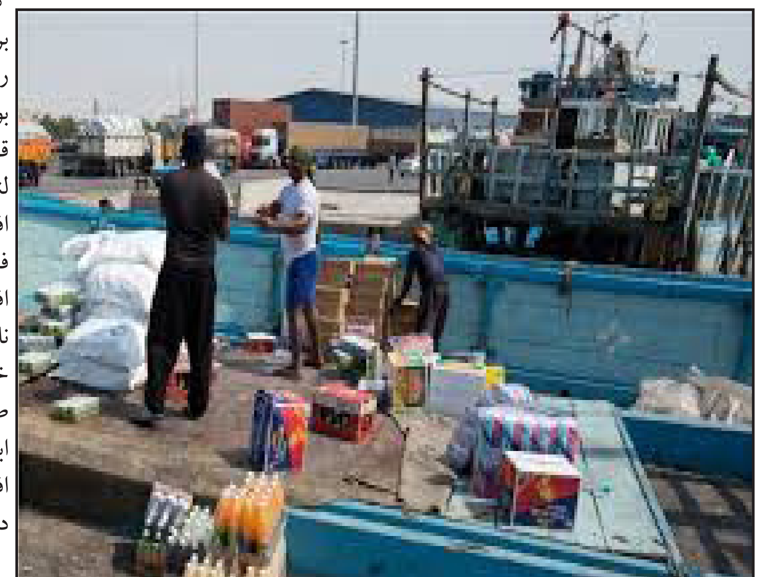
وی خاطرنشان کرد: اگر دولت تمهیداتی برای رونق ته لنجی نیندیشد و قرار بر این باشد که لنجداران درهم مورد نیاز برای تامین ته لنجی بازار بوشهر را به صورت آزاد و با نرخ رقابتی بخرند قطعا ته لنجی تعطیل خواهد شد.

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به این که گرانی ها علت داخلی دارد و ارتباطی به قیمت های جهانی و افزایش سود مغازه داران ندارد تصریح کرد: قیمت یک کیسه برنج ۴۰ کیلوگرمی در دوبی در چند سال اخیر بین ۱۵۰ تا ۱۶۰ درهم بوده است. با نرخ شش ماه قبل این برنج در بوشهر حدود ۲۵۰ هزار تومان به فروش می رسید. الان با افزایش قیمت درهم به ۳۶۰۰ تومان همین برنج در دوبی برای ایرانی ها با قیمت ۵۴۰ هزار تومان تهیه شود. اگر هزینه های جابجایی و حمل نیز به این قیمت بیافزاییم قیمت یک کیسه برنج ۴۰ کیلوگرمی به ۶۰۰ هزار تومان می رسد.

نامدارزاده خاطرنشان کرد: با توجه به این که قرار است از آذر ماه دولت به بازرگانان رسمی دلار با نرخ ۴۲۰۰ تومان اعطا کند تفاوت قیمت بین کالایی که به صورت تجاری به ایران می رسد و کالاهایی که به صورت ته لنجی می رسید آنقدر زیاد می شود که پدیده ته لنجی از بازار استان رخت برخواهد بست.

رئیس اتحادیه خواربار و لبنیات شهرستان بوشهر در ادامه هشدار داد: با تعطیلی قریب الوقوع ته لنجی، هزاران نفر کارگر لنج های سفاری، مغازه های بنادر استان و افرادی که در حمل و جابجایی ته لنجی فعالیت می کردند به خیل بیکاران استان افزوده خواهند شد.

نامدارزاده در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به سیل تعطیلی واحدهای صنفی خواربار فروش و سوپرمارکت ابراز داشت: کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت انواع کالا، کمر مغازه دارهای بوشهری را شکسته است.





وضعیت صنعت و تولید صنعتی در کشور و استان بوشهر

دکتر عباس علوی نژاد



در کشور حدود ۸۴۰۰۰ واحد صنعتی از وزارت صنعت معدن و تجارت پروانه بهره برداری دارند. از این تعداد بیش از نود درصد صنایع متوسط و کوچک هستند. در شرایط فعلی حدود سی درصد از واحدهای تولیدی داخل شهرک های صنعتی و چهل درصد از واحدهای خارج از شهرک ها به دلایل متعدد تعطیل شده اند. بانک ها به واحدهای تولیدی تسهیلات لازم نمی دهند. برای اجرای تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۹۷ با گذشت بیش از هفت ماه هنوز آئین نامه و دستورالعمل آن ابلاغ نشده است. سال گذشته بانک ها هفتاد درصد بودجه تخصیصی برای پرداخت به واحدهای تولیدی را به عنوان استمهال وام ها برای خودشان برداشتند.

سؤال این است چرا با گذشت چندین ماه از سال هنوز آیین نامه و دستورالعمل نحوه پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی ابلاغ نشده است؟ اطلاع دقیقی از وضعیت واحدهای تولیدی استان ندارم و خوب است مسؤولان استان در بخش صنعت گزارشی از وضعیت واحدهای فعال و تعطیل شده را ارایه نمایند. اگر عمده مشکل واحدها نقدینگی است، ضرورت دارد هر چه سریع تر نحوه اجرای تبصره مذکور مشخص شود. نمایندگان محترم استان هم می توانند این حق قانونی و سهم استان را مطالبه نمایند.

کت گشاد دانایی

روح الله صالحی: زمانی بود وقتی شبکه سه را تغییر می دادیم روی شبکه یک، به یک باره مجری همان برنامه قبلی را می دیدیم که صرفا کتش را عوض کرده بود و با خنده ای تصنعی می گفت: «پوزش بابت تأخیر، تا از آن استودیو به این استودیو برسم چند دقیقه ای برنامه دیر شد»

توی تاکسی و مترو و اتوبوس و سر صف نانوایی و... به تعداد آدم هایی که می بینیم؛ باید شبیه همان مجری که از برنامه ورزشی می رفت تا به برنامه تفسیر سیاسی برسد، تغییر موضع بدهیم و چنان چه در یک موضوع خاص سکوت کنی، آن را حمل بر بی ادبی می دانند. حتی به قدر تکان دادن سر باید حرف های طرف مقابل را تأیید کنی.

مهم نیست که چه می گوییم و چه قدر اطلاعات ما ناشی از تحلیل مجموعه ای از آموخته های درست است. مهم تکان دادن سر مخاطب مقابل، در تأیید حرف های ماست؛ که باد به غبغب بیندازیم که مورد تأیید اجتماعی قرار گرفته ایم و این ژست دانایی برای ما دل چسب و گواراست.

در برنامه تلوزیونی «برنده شو » که محمد رضا گلزار اجرا می کند، اتفاقی افتاد که نشان می دهد این کت دانایی که پوشیده ایم به اندام مان بزرگ است انگار مشت نمونه خروار است که دسته جمعی داریم این کت را دست به دست می کنیم.

شرکت کننده در مورد سؤالی به بن بست رسید، از گزینه حاضران در سالن استفاده کرد، شصت درصد تماشاچیان به یک گزینه رأی دادند. اما فرد شرکت کننده ترجیح داد به گزینه ای رأی دهد که تنها ده درصد به آن رأی داده بودند و اتفاقا این گزینه درست از آب درآمد.

شصت درصد به گزینه اشتباه رأی دادند؛ به همین سادگی در مسیری رفته بودند که می توانست یک نفر را از گردونه مسابقه حذف کند. این که چرا و چه لزومی به خود دیده بودند که چیزی را که نمی دانند و از قطعیت آن بی خبر هستند رأی بدهند مسأله ای است که دامن گیر همه ما شده و مجموعه ای شده ایم که بدون قطعیت و دانستن ابراز نظر می کنیم.

در دوره های مدیدی، کسی که از همه علوم های دوره خودش می دانست حکیم خوانده می شد؛ بعدها، حتی در دوره خودمان کسی که جدول کلمات متقاطع را به سهولت حل می کرد را آدمی همه چیز دان و باسواد می خواندیم.

هنوز نیاموخته ایم که برای بهتر دیده شدن، بهتر شدن در جمع نیازی به تعویض کت مجری گری در همه حوزه ها نیست. کافیست در یک رشته و حوزه خاص مطالعه کنیم و در همان مسیر برای دیگران، آن چه آموخته ایم را به اشتراک بگذاریم. این که به اندازه اقیانوسی به عمق یک وجب اطلاعات داشته باشیم دردی از امروز ما دوا نخواهد کرد، مهم این است که به تحلیل های اجتماعی دست پیدا کنیم تا سواد بصری را افزایش دهیم. تا این گونه یک تنه به سمت حذف و نابودی یک نفر ولو با یک رأی نه چندان مهم حرکت نکنیم و سراسیمه مجبور نباشیم از این استودیو تا آن استودیو را بدویم.

عادل، صدای رسا و بیدار فوتبال ایران!

رضا سیاهوشی

عادل فردوسی‌پور؛ روزنامه نگار، مترجم، مجری، تهیه کننده و بنیان گذار برنامه پربیننده ۹۰ که نزدیک به ۲۰ سال است شب های دوشنبه مخاطبان خاص خود را به پای صفحه جادویی می کشاند.

او همچنین به عنوان تهیه کننده «برنامه» فوتبال ۱۲۰ با شبکه ورزش سیما همکاری داشته است. همچنین در تولید برنامه "لیگ ۱" هم نقش داشته است.

توانمندی ها، سواد بالا، دانش ورزشی، مسلط بودن در گزارشگری و... در عادل فوتبال ایران موج می زند و باید پذیرفت که اکنون او چهره بسیار محبوب و مشهور در فوتبال ما هست و نمی توان به راحتی او را کنار زد و یا محو نمود!



اگر تصمیم به تغییر مجری مقتدر "نود" داشته باشند، بسیار در اشتباه هستند زیرا با توجه به علاقمندی مردم به این برنامه و مجری آن، که فقط حاصل تلاش، مدیریت، کاربلدی، تبحر و تدبیر خود "فردوسی پور" بوده که میلیون ها مخاطب جذب نموده، به نوعی هم بی احترامی به مردم و جامعه فوتبالی شده است و هم دیگر برنامه آن جذابیت خاص خودش را نخواهد داشت.

ضمن اینکه معمولاً باید هزینه های فراوان و مدت ها زمان صرف کرد تا بتوان مخاطب جذب کرد و از طریق پخش یک برنامه پرمخاطب و جذاب است که سیر آگاهی های تبلیغاتی به "سیما" سرازیر می گردد و درآمد کلان نصیب آنان می کند.

هر چند هستند افراد جوان و قوی مثل محمدحسین میثاقی و محمدرضا احمدی، مزدک میرزایی باتجربه و رضا جاودانی (که هر کدام دو بار در غیاب عادل مجری گری کردند) و ... اما "عادل خان" و برنامه پربیننده "نود" با هم عجین شده اند و مردم "نود" را فقط و فقط با "عادلش" دوست دارند و بس.

"تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف
مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی"

تکیه کلام های خاص و شیرین مثل؛ چقدر خوبیم ما و جوونم ایران، فقط از زبان "عادل" شنیدن، جذابیت دارد و هنر گزارشگری او را زیبا و دلنشین می کند، تا مخاطب لذت ببرد از تماشای فوتبال.

ثبت جهانی چقدر در حفظ تمامیت خلیج فارس مؤثر است؟

الناز بلوری فرد

خلیج فارس ثبت جهانی شد!
آن هم با پیشوند مروارید!

ضمن قدردانی از مسئولان و همه کسانی که دغدغه نام «خلیج فارس» را داشته و دارند، سؤالاتی دارم.

نخستین سؤال من درباره پیشوند «مروارید» است. به نقل از خبرگزاری های معتبر، مدیر کل دفتر مالکیت صنعتی وزارت صنعت، معدن و تجارت در نشست خبری که اخبار آن روز سی ام مهرماه منتشر شده، گفته است: «خلیج فارس ایران با پیشوند مروارید در سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) به ثبت جهانی رسیده است.»

اولاً خلیج فارس غیر ایرانی هم مگر داریم؟ دوماً این ثبت جهانی مثل این می ماند که برند «آدیداس» ادعا کند: «آدیداس با پیشوند کفش ورزشی، ثبت جهانی شد!» خیلی روشن است که هم آدیداس می تواند محصولات دیگری داشته باشد، هم برندهای دیگر، کفش ورزشی!»

اما سؤال بعد این که ثبت جهانی چقدر در حفظ تمامیت خلیج فارس مؤثر است؟ بماند که در سال‌های اخیر، این نام، جعل شده و آن نام جعلی و بی هویت با سرعت زیاد و دامنه ای گسترده در دنیا و به ویژه دنیای سیاست، منتشر شده است.

خلیج فارس، طبق اسناد معتبر شامل نوشته ها، نقشه ها و ... موجود در کتابخانه های شاخص سراسر دنیا، همیشه خلیج فارس بوده و هست. پیشینه تاریخی خلیج فارس به حدود هزاره ۵ پ.م، می رسد. عیلامیان از هزاره ۳ پ.م، صدها سال از خلیج فارس به عنوان راه ارتباطی و از بندر بوشهر و جزیره خارگ برای حکمرانی بر کرانه ها و جزیره های خلیج فارس و همچنین بازرگانی با هند باختری و دره نیل، استفاده می کردند. از باستان تا امروز در همه آثار تاریخی، گیتاشناسی و دایره المعارف های بزرگ جهان، آب های جنوب ایران از پیوستنگاه اروندرود تا تنگه هرمز به نام خلیج فارس شناخته شده است.

راستش این خبر مثل این است که روزی چنین تیتری نوشته شود: «مادر، ثبت جهانی شد! دیگر کسی نمی تواند به کسی که فرزندی را می زاید، پدر بگوید!» آیا در کنار این اقدامات، بهتر نیست فکری به حال کرانه های ایرانی خلیج فارس شود؟

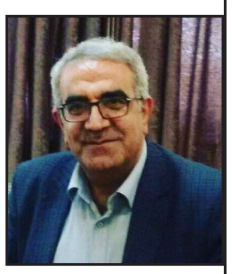
رونق اقتصادی و معیشتی و بهبود شرایط کسب و کار مردم ساحل نشین و ایجاد موج علاقمندی ایرانیان و به همین پشتوانه، جلب توجه گردشگران خارجی به این جغرافیا و معرفی درست فرهنگ این سامان، مطمئناً نقش پررنگ تری در حفظ تمامیت نام و جغرافیای خلیج فارس خواهد داشت.

تاریخ، هویت، ریشه های فرهنگی و مردمانش، نام «خلیج فارس» را حفظ خواهند کرد.



توسعه یافتگی شوخی نیست!

دکتر سعید معدنی



زمانی که ولیعهد جوان سعودی، بن سلمان، دست به اصلاحات زد. برخی عوامانه فکر می کردند که عنقریب عربستان در ردیف کشورهای توسعه یافته آسیا قرار می گیرد و کشورهایی مثل ایران حسرت دمکراسی و پیشرفت عربستان را خواهند خورد!. غافل از اینکه در کنار پیشرفت و مدرن شدن، دمکراسی و آزادی اجتماعی- سیاسی نیز نیاز است. به عبارتی بدون آزادی منتقد و مخالف، توسعه یافتگی شوخی بیش نیست.

ایران این تجربه را نیم قرن قبل از سر گذرانده بود. محمدرضا شاه پهلوی هم سینما را گسترش داد، برای ما بی حجابی و لباس متحدالشکل آورد. او ارتش قوی ساخت، ژاندارم منطقه شد و ما را "به سوی تمدن بزرگ" دعوت می کرد. در همان حال زندان هایش مملو از مخالفان و منقدانش بود و ساواک وحشیانه ترین رفتارها را با هموطنانشان داشتند.

نیم قرن بعد از شاه پهلوی، بن سلمان جوان تازه یاد گرفته، به زنان اجازه حضور اجتماعی دهد، تئاتر بسازد و سینما تاسیس کند؛ زنان اجازه حضور در ورزشگاهها بعنوان تماشاگر داشته باشند و رانندگی کنند.

عوام هم خیال می کردند سالی بسر نیامده عربستان در ردیف ژاپن، کره، هند و... قرار می گیرد! اما ناپدید شدن و مرگ جمال خاشقجی خط بطلانی بر این همه توهمات کشید. اگر بخواهی کشور پیشرفته ای داشته باشی، "باید اسباب بزرگی همه آماده کنی".



نمی شود؛
- زندانی سیاسی داشته باشی،
-آزادی مطبوعات نداشته باشی،
- شکنجه در زندانها رایج باشد،
- اقلیت ها از حقوق قانونی برخوردار نباشند،
- با ائتلاف با بدون ائتلاف دخالت و تجاوز در کشور همسایه و سایر کشورها داشته باشی،
- در کشورت گروهی ثروت افسانه ای داشته باشند و بقیه زندگی معمولی و فقیر باشند،
- احزاب قوی و انتخابات آزاد نداشته باشی،
- و در نهایت مخفیانه روزنامه نگاران و دگراندیشان را بکشی،
و آنگاه دنبال توسعه باشی.

نمی شود. ما این راه را تجربه کرده ایم آن هم نیم قرن قبل، زمانی که بن سلمان هنوز بدنیا نیامده بود!

گام نخست در توسعه و دمکراسی احترام به حقوق مردم بویژه مخالفان و دگراندیشان است. حقی که شاه ایران و بن سلمان و بقیه دیکتاتورها از آن غفلت می کنند، که در این صورت ره به جایی نمی برند و دیر یا زود سقوط خواهند کرد و یک جامعه عقب مانده از خود به یادگار می گذارند.

خلاصه آنکه در جهان مدرن، توسعه یافتگی همه جانبه و موزون است نه تک بعدی و ناموزون.

توجه شهرداری بوشهر به کمپ نگهداری سگ های بلا صاحب و سایت دفن زباله

دکتر امیری شهردار بندر بوشهر با حضور حسن شجاعی پور سرپرست سازمان مدیریت پسماند بازدید هایی از سطح شهر و مجموعه هایی تحت مدیریت سازمان پسماند از جمله کمپ نگهداری سگ های بلا صاحب و سایت دفن زباله داشتند

به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر دکتر امیری شهردار بندر بوشهر با حضور شجاعی سرپرست سازمان مدیریت پسماند بازدید هایی از سطح شهر و مجموعه هایی تحت مدیریت سازمان پسماند از جمله کمپ نگهداری سگ های بلا صاحب و سایت دفن زباله داشتند و از نزدیک از روند اجرای طرح نگهداری و عقیم سازی سگ های بلا صاحب و سایت دفن زباله و کارخانه کمپوست بازدید نمودند و مشکلات و کمبودهای این مجموعه ها مورد بررسی قرار دادند. ایشان با تاکید بر بهبود مطلوب تر وضعیت کمپ نگهداری سگ ها بر لزوم استفاده از ظرفیت انجمن های حامی حیوانات و محیط زیست و علاقمندان در مدیریت و بهبود خدمات مجموعه تاکید نمودند.